

# پیمان غدیر

بیت با محمدی عَلَيْهِ السَّلَامُ

دکتر سید محمد کبیری ماسمی

بنی هاشمی، سید محمد، ۱۳۳۹.  
پیمان غدیر / سید محمد بنی هاشمی - تهران: مرکز فرهنگی  
انتشارات منیر، ۱۳۸۴.  
ISBN 964 - 7965 - 04 - 4  
۶۴ ص.  
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.  
کتابنامه ص ۶۳: همچنین به صورت زیر نویس.  
۱. غدیر خم. ۲. علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از  
هجرت - ۴۰ ق. - اثبات خلافت. الف. عنوان.  
۹ پ ۸۱۵ / ۵ / BP ۲۲۳  
۲۹۷ / ۴۵۲  
کتابخانه ملی ایران  
۱۶۲۹۱ - ۸۴ م



شابک ۴-۰۴-۷۹۶۵-۹۶۴-۰۴-۴ - ISBN 964 - 7965 - 04 - 4

## پیمان غدیر

دکتر سید محمد بنی هاشمی  
ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر  
نوبت چاپ: نهم / ۱۳۸۹  
تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه  
حروفچینی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶  
چاپ: پدیده گوتنبرگ

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ - تلفن و فاکس: ۳۶ ۱۸ ۵۲ ۷۷ (خط ۶)  
فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی پور، پلاک ۶۴ تلفن: ۸۰۱ ۶۶ ۳۳۵ (خط ۴) ۳۶ ۱۸ ۷۵۲ (خط ۵) (۰۹۳۵)

وب سایت: <http://www.monir.com>  
پست الکترونیک: [info@monir.com](mailto:info@monir.com)

دیگر مراکز پخش: دارالکتب الاسلامیه، ۵۵۶۲۰۴۱۰ \* نشر نیک معارف، ۶۶۹۵۰۰۱۰ \* نشر آفاق، ۳۵ ۲۲۸۴۷۰۳۵  
نشر رایحه، ۸۸۹۷۶۱۹۸ \* پخش آینه: ۳۳۹۳۰۴۹۶ \* نمایشگاه کتاب اعراف: ۲۲۲۰۸۵۲۹

۱۱۰۰ تومان

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ  
سَلَامٌ بِرَتْوَايَ بِمِكَانِ خَدَاكَ أَنْ رَأْسَانَهُ وَمُحْكَمٌ كَرْدَانَهُ اسْت.

بخشی از زیارت امام عصر علیه السلام (آل نیر)  
اتحاد طبرسی، ج ۲، ص ۳۱۶



## فهرست

۷	..... پیشگفتار
۹	..... پیغام غدیر
۹	..... لزوم آشنایی با پیام غدیر و عمل به آن در همهٔ زمانها
۱۰	..... حجّیت پیام غدیر برای همهٔ انسان‌ها تا روز قیامت
۱۲	..... محتوای اصلی پیام: اعلام ولایت همهٔ ائمهٔ <small>علیهم‌السلام</small> تا قیامت
۱۸	..... پیمان گرفتن پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small> از مردم در روز غدیر
۲۳	..... لزوم پیمان بستن همهٔ مخاطبان غدیر بر محتوای آن
۲۴	..... تجلّی محتوای دقیق پیام غدیر در متن بیعت و پیمان
۲۷	..... پیمان بندگی
۲۷	..... معانی و شؤون مولی و عبد
۳۳	..... مراتب مولویّت و عبودیت
۳۵	..... وظیفهٔ مسلمانان در قبال امام زمان <small>علیه‌السلام</small> طبق دستور خدای متعال
۳۸	..... رابطهٔ مولی و عبد

۴۵	..... امروز، غدیر
۴۵	..... عملکرد مسلمانان در قبال پیمان غدیر
۴۸	..... نتیجه سرپیچی از فرمان خداوند در غدیر
۵۳	..... لَبَّيْكَ گفتن به دعوت پیامبر ﷺ در عید غدیر
۵۴	..... دعا بر تعجیل فرج در روز غدیر
۵۶	..... دعا برای مؤمنان در روز غدیر
۶۰	..... فهرست منابع

## پیشگفتار

... هو عيد الله الاكبر

امام صادق عليه السلام درباره عيد غدیر فرموده اند: «آن، بزرگترین عيد خداوند است و خدای عزوجل هیچ پیامبری را مبعوث نکرده مگر آنکه این روز را عيد گرفته است»<sup>۱</sup>.

ما شیعیان که سالروز غدیر را جشن می گیریم و به آن افتخار می کنیم، آیا تا کنون به مسؤولیتی که در قبال آن داریم، اندیشیده ایم؟ آیا توجه کرده ایم که مؤمنان آخرالزمان هم مخاطبان واقعی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر سال دهم هجری بوده اند؟ آیا می دانیم که از آنروز به انجام دادن کدام بیعت، دعوت شده ایم؟

نام غدیر به فرمایش امام صادق عليه السلام در آسمان «يوم العهد المعهود» است و در زمین «يوم الميثاق المأخوذ»<sup>۲</sup>. این عهد و

---

۱ - تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۴۳.

۲ - تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۴۳.

پیمانی که اهل آسمان و زمینیان از غدیر می‌شناسند، کدام عهد و پیمان است؟ پاسخ این سؤال در زیارتی که از ناحیه مقدسه امام عصر<sup>علیه السلام</sup> وارد شده، آمده است. در این زیارت، خطاب به خود آن بزرگوار می‌خوانیم: **السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مِثَاقَ اللَّهِ الَّذِي اخَذَهُ وَوَكَّدَهُ**<sup>۱</sup>. آری، تنها میثاقی که خداوند در حال حاضر بر روی زمین دارد، همان پدر مهربان ماست که در روز غدیر، توسط دعوت کننده الهی به اسم و صفت، معرفی گردید و از همه مردم تا روز قیامت خواسته شد که پیمان مولویت ایشان را بر عهده گیرند.

ولی مع الاسف اکنون اکثریت مردم - حتی بسیاری از شیعیان - به درستی با آن عهد و میثاق الهی آشنایی ندارند و نمی‌دانند که با امام زمان خود چگونه باید بیعت کنند. پس لازم است که هر چه بیشتر درباره پیمان غدیر، معرفت خود را عمیق‌تر سازیم تا بهتر بتوانیم از عهده ادای آن برآیم.

کتاب حاضر، محصول تلاش عزیزانی است که به قصد عرض ارادت به پیشگاه صاحب غدیر خواسته‌اند گامی کوتاه در این مسیر بردارند. به این امید که خداوند، عیدی ایشان را بیعت با دستان پاک آن عزیز سفر کرده، در غدیر امسال قرار دهد.

سید محمد بنی‌هاشمی

شوال ۱۴۲۳

آذر ۱۳۸۱



## پیغام غدیر

لزوم آشنایی با پیام غدیر و عمل به آن در همهٔ زمانها

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان آخرین پیام آور الهی، در تبیین کامل‌ترین ادیان، در روز غدیر، تکلیف همهٔ مردم را تا قیامت روشن نمودند و برنامهٔ هدایت الهی را تا پایان دنیا اعلام کرده، راه هرگونه عذر و بهانه را مسدود ساختند. ایشان با ایراد خطبه‌ای رسمی، هرگونه محدودهٔ زمانی و مکانی را درنور دیده، حاضران و غایبان را در انتخاب راه بهشت و دوزخ، مخیر نمودند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر، راه دینداری را تا قیامت برای همهٔ مردم ترسیم فرمودند و برایشان اتمام حجت نمودند. بنابراین غدیر، دارای محتوای اعتقادی بسیار مهمی است که تکلیف مردم را در دنیا و آخرت مشخص می‌سازد و همهٔ انسان‌ها تا قیامت موظف به عمل به آن هستند.

با این وصف، نمی‌توان غدیر را تنها یک حادثهٔ تاریخی انگاشت

و وظیفه ما در این عصر، تنها به خواندن و آموختن تاریخ آن خلاصه نمی‌گردد؛ بلکه باید اعتقادات صحیح خود را در این خطبه بیابیم و وظایفمان را شناسایی کنیم. به تعبیر روشن‌تر باید دستورالعمل زندگی خویش را از لای این پیام بیابیم و بدان ملتزم گردیم.

### حجیت پیام غدیر برای همه انسان‌ها تا روز قیامت

پیامبر خدا ﷺ در روز غدیر برای آخرین بار در اجتماع مسلمانان، پیام مهمی را از جانب خداوند متعال اعلام فرمودند. این پیام، دلیل قاطع و برنده‌ای بر تمام کسانی است که به هر طریق بر آن آگاهی یافته‌اند و راه هرگونه عذر و بهانه را بر امت بسته است. رسول اکرم ﷺ خود، تبلیغ این پیام را بر همه حاضران و غایبان در همه اعصار و قرون واجب ساختند:

ای مردم من امر خلافت را به عنوان امامت و وراثت در نسل خودم تا روز قیامت به ودیعه می‌سپارم.

و قد بَلَّغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ، وَ لِدَا أَوْ لَمْ يُؤَلِّدْ فَلْيَبْلِغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.<sup>۱</sup>

من آنچه را مأمور به ابلاغش بودم رسانیدم تا حجّت باشد بر حاضر و غایب و بر همه کسانی که حضور دارند یا ندارند؛ بدینا آمده‌اند یا نیامده‌اند. پس حاضران به غایبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند.

---

۱ - احتجاج، ج ۱، ص ۷۸: خطبه غدیر در کتاب احتجاج به صورت کامل نقل شده است. از آنجا که در کتاب «اسرار غدیر» تألیف آقای محمد باقر انصاری این خطبه از کتاب احتجاج با تحقیقی جامع همراه با اختلاف نسخ نقل شده، ما در این کتاب، خطبه غدیر را از کتاب اسرار غدیر نقل می‌کنیم.

این ابلاغ، تکلیف همه مردم را تا روز قیامت روشن ساخته است. مسلماً هیچ‌گونه تخطی از این امر در هیچ دوره‌ای بعد از غدیر، جایز نخواهد بود.

همه کسانی که به گونه‌ای پیام غدیر را دریافت کرده‌اند - صرف‌نظر از اینکه در کدام عصر زندگی می‌کنند - موظف هستند که در مقابل این اتمام حجت، سر تسلیم فرود آورده، به لوازم آن پایبند گردند و بر هر نسلی واجب است که نسل بعد از خویش را از امر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مطلع سازد. اگر گذشتگان به این واجب عمل نمی‌کردند، مدتها قبل، این ندا خاموش گشته بود و این پیام به نسل حاضر نمی‌رسید.

با وجود اینکه مردم با فاصله کوتاهی بعد از غدیر، دستورالعمل پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نادیده گرفتند و ولایت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام را نپذیرفتند، اما پیام غدیر به گوش نسلهای بعد رسید؛ آنها توانستند وصی پیامبر را در زمان خویش بشناسند و هرگز این نور هدایت خاموش نشد. اکنون نیز شاهد هستیم که در زمان آخرین اوصیا حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام هم تکلیف وصایت، روشن است؛ گرچه مانند همه اعصار، عامه مردم از قبول تکلیف خویش - آنچنان که شایسته است - سرباز می‌زنند و آن را نادیده می‌انگارند.

بنابراین، ما هم در عصر خویش وظیفه داریم که دیگران را از تکلیفی که بر دوششان گذاشته شده، باخبر کنیم و با واقعیت غدیر آشنایشان سازیم. به همین ترتیب، این وظیفه تا روز قیامت باقی است و مؤمنان عصر حاضر در سلسله این اخبار، حلقه اتصال گذشته و آینده‌اند. برای عمل به این تکلیف، ابتدا باید بدانیم که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از مأمومین خاتم اوصیاء، حضرت مهدی - عجل

الله تعالی فرجه الشریف - چه خواسته‌اند و مردم این عصر را به چه امری دعوت فرموده‌اند و چگونه می‌توان به این فرمایش‌ها جامه عمل پوشاند. پس بر هر مسلمانی واجب است که با قول و عمل، به انتقال این پیام مهم، ملتزم گردد؛ چرا که روی سخن پیامبر ﷺ در روز غدیر با همه انسان‌ها تا روز قیامت بوده است و مردم در هیچ روزگاری از شمول این دستور، مستثنا نمی‌باشند.

#### محتوای اصلی پیام: اعلام ولایت همه ائمه علیهم السلام تا قیامت

پیامبر اکرم ﷺ در روز غدیر از جانب خداوند متعال موظف شدند که تکلیف وصایت بعد از خویش را در امت خود، روشن کنند. لذا فرمودند:

جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوند سلام، پروردگارم - که او سلام است - مرا مأمور کرد که در این محل اجتماع بپا خیزم و بر هر سفید و سیاهی اعلام کنم که: «علی بن ابی طالب برادر من و وصی من و جانشین من [بر امت] و امام بعد از من است. نسبت او به من نسبت هارون به موسی است جز اینکه پیامبری بعد از من نیست. او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش است» و خداوند در این مورد آیه‌ای از کتابش بر من نازل کرده است: «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم راکعون»<sup>۱</sup> صاحب اختیار شما خدا و رسولش هستند و کسانی که ایمان آورده، نماز بپا می‌دارند و در حال رکوع زکات

۱ - سورة مائده، آیه ۵۵.

می‌دهند. و علی بن ابی طالب است که نماز را بپا داشته و در حال رکوع زکات داده و در هر حال خداوند عزوجل را قصد می‌کند.<sup>۱</sup>

علاوه بر این، پیامبر ﷺ در طول این خطبه به معرفی جانشینان خود پرداخته و تنها به ذکر اسامی ایشان اکتفا نفرموده‌اند؛ بلکه در جای جای خطبه، اوصاف ایشان را بر شمرده‌اند. از این رو آنگاه که نام علی بن ابی طالب علیه السلام را برده‌اند، ایشان را با معرفی خداوند در قرآن کریم متمایز نموده، اعلام فرموده‌اند که او بعد از من «ولی» و «صاحب اختیار» شماست. زیرا خداوند که مولا و پروردگار مردم است، پیامبر ﷺ را سرپرست مردم قرار داده است؛ آنجا که می‌فرماید:

**النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ ۚ**

پیامبر ﷺ نسبت به مؤمنان از خودشان اولویت دارد.

بنابراین، پیامبر ﷺ با نصب الهی، بطور مطلق از خود مؤمنان نسبت به خودشان سزاوارترند. به تعبیر دیگر، خداوند ایشان را نسبت به مردم، اولی به تصرف قرار داده است؛ بدین معنا که مؤمنان باید خواست پیامبر ﷺ را در همه امور خویش بر خواست خود ترجیح دهند و ایشان نسبت به همه دارایی‌های مؤمنان از خودشان سزاوارترند. پس پیامبر ﷺ می‌توانند هرگونه دخالتی در همه ابعاد زندگی آنها داشته باشند. همین مقام پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای ائمه علیهم السلام نیز ثابت است. چنانکه امام حسین علیه السلام می‌فرمایند:

۱- اسرار غدیر، ص ۱۴۴ و ۱۴۵.

۲- سوره احزاب، آیه ۶.

رسول خدا ﷺ به امیر مؤمنان علیؑ فرمود:

أَنَا أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ ثُمَّ أَنْتَ يَا عَلِيُّ أَوْلَىٰ  
 بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ثُمَّ بَعْدَكَ الْحَسَنُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ  
 أَنْفُسِهِمْ وَبَعْدَهُ الْحُسَيْنُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ثُمَّ بَعْدَهُ  
 عَلِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ثُمَّ بَعْدَهُ مُحَمَّدٌ أَوْلَىٰ  
 بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَبَعْدَهُ جَعْفَرٌ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ  
 أَنْفُسِهِمْ ثُمَّ بَعْدَهُ مُوسَىٰ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ثُمَّ بَعْدَهُ  
 عَلِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ثُمَّ بَعْدَهُ مُحَمَّدٌ أَوْلَىٰ  
 بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ثُمَّ بَعْدَهُ عَلِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ  
 أَنْفُسِهِمْ ثُمَّ بَعْدَهُ الْحَسَنُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ  
 الْحَجَّاجُ بْنُ الْحَسَنِ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ أُمَّةٌ إِبْرَاهِيمَ  
 الْحَقُّ وَالْحَقُّ مَعَهُمْ.<sup>۱</sup>

رسول اکرم ﷺ در روز غدیر ابتدا از مردم همین مطلب را  
 اقرار گرفتند و پرسیدند: «أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» و آنگاه که  
 همگی آن را تصدیق کردند، اعلام فرمودند:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ.

هر کس من مولای اویم پس علی مولای اوست.

پس هر کس مولویت پیامبر ﷺ را پذیرفته است، باید حضرت  
 علیؑ را هم نسبت به خود اولی به تصرف بداند.

سپس پیامبر ﷺ چنین دعا فرمودند:

اللَّهُمَّ وَالِ مِنْ وَالَاهِ وَ عَادِ مِنْ عَادَاهِ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ  
 مَنْ خَذَلَهُ وَ أَعِنْ مَنْ أَعَانَهُ.

خدایا دوستداران او را دوست بدار و دشمنان او را دشمن بدار  
نصرت دهندگان او را نصرت بده و خوارکنندگانش را خوار کن و  
یاری کنندگان او را یاری نما.<sup>۱</sup>

قابل توجه است که این بخش خطبه در نقل اهل تسنن هم  
آمده است.<sup>۲</sup>

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بخش دیگر خطبه با تأکید بر امامت و  
ولایت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام، ولایت بقیه ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام را هم تا روز قیامت  
تثبیت فرمودند. هر چند که غیر از امام حسن و امام حسین عَلَيْهِمُ السَّلَام بقیه  
ایشان هنوز تولد نیافته بودند، اما پیامبر گرامی همان روز بر لزوم  
قبول ایشان تأکید فرمودند:

ای مردم! این آخرین باری است که در چنین اجتماعی بپا  
می‌ایستم. پس بشنوید و اطاعت کنید. در مقابل امر [خداوند]  
پروردگارتان سر تسلیم فرود آورید.

فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَإِلَهُكُمْ ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُهُ  
وَنَبِيِّهِ الْمُخَاطَبُ لَكُمْ ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيكُمْ وَإِمَامُكُمْ  
بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ

۱- کمال الدین، ج ۲، باب ۳۳، ح ۹.

۲- در مسند احمد بن حنبل نقل شده است که:

اخذ بيد علي عَلَيْهِ السَّلَام فقال الستم تعلمون اني اولى بالمؤمنين من انفسهم؟ قالوا: بلى قال: الستم  
تعلمون اني اولى بكل مؤمن من نفسه؟ قالوا: بلى قال: فاخذ بيد علي عَلَيْهِ السَّلَام. فقال من كنت مولاه فعلى  
مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه. فضائل الخمسة، ج ۱، ص ۴۰۰. (پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) دست  
علی عَلَيْهِ السَّلَام را گرفت و گفت: آیا می‌دانید که من نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر هستم؟ گفتند:  
بله فرمود: آیا می‌دانید که من نسبت به هر مؤمنی از خودش اولویت دارم؟ گفتند: بله. پس دست  
علی عَلَيْهِ السَّلَام را گرفت و گفت هر کس من مولای اویم پس علی مولای اوست خدایا دوستداران او را  
دوست بدار و دشمنان او را دشمن بدار.

تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ<sup>۱</sup>.

چرا که خداوند عزوجل صاحب اختیار و معبود شماسست و بعد از خداوند رسولش و پیامبرش که شما را مخاطب قرار داده (مولای شماسست) و بعد از من علی صاحب اختیار شما و امام شما به امر خداوند - پروردگارتان - است و بعد از او امامت در نسل من از فرزندان اوست<sup>۲</sup> تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات خواهید کرد.<sup>۳</sup>

معرفی خاتم ائمه علیهم السلام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بخش بسیار مهمی از خطبه غدیر است که در آن پیامبر صلی الله علیه و آله به معرفی آل محمد علیهم السلام به اسم و وصف پرداخته‌اند و بدین وسیله حجّت را اتمام فرموده‌اند:

اَلَا اِنَّ خَاتَمَ الْاِئِمَّةِ مَنَا الْقَائِمِ الْمَهْدِيَّ...

بدانید که آخرین امامان از ما، قیام‌کننده مهدی است...  
اَلَا اِنَّهٗ قَدْ بَشَّرَ بِهٖ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ اَلَا اِنَّهٗ الْبَاقِي حُجَّةٌ و لَا حُجَّةَ بَعْدَهٗ و لَا حَقَّ اِلَّا مَعَه و لَا نُوْرَ اِلَّا عِنْدَهٗ  
اوست که پیشینیان از قرنهای گذشته به او بشارت داده‌اند، اوست که به عنوان حجّت باقی می‌ماند و بعد از او حجّتی نیست. هیچ حقی نیست مگر همراه او و هیچ نوری نیست

۱- اسرار غدیر، ص ۱۱۳.

۲- ائمه علیهم السلام غیر از امیرالمؤمنین علیه السلام فرزندان حضرت صدیقه علیها السلام هستند و از طریق ایشان فرزندان پیامبر می‌شوند. پس یازده امام علیهم السلام هم فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند و هم اولاد امیرمؤمنان علیه السلام. در جای خود اثبات شده است که فرزندان هر کس چه از طریق پسر و چه دختر او باشند از نسل او هستند.

۳- اسرار غدیر، ص ۱۴۶ و ۱۴۷.



مگر نزد او.

أَلَا وَإِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ وَامِينُهُ فِي سِرِّهِ  
وَعَلَانِيَتِهِ.

بدانید که اوست ولی خدا در زمین و حکم کننده او بین خلقش  
و امین او بر نهان و آشکارش.<sup>۱</sup>

انقیاد و قبول سرپرستی حضرت علی عَلِيٌّ و فرزندان ایشان، امری است که خداوند متعال بر همه مردم تکلیف کرده و بدین وسیله، دین همه را کامل نموده است. این تکلیف تا روز قیامت از هیچ کس ساقط نخواهد شد و البته خداوند متعال توسط پیامبر خویش، مردم را از عواقب انکار و شک در این امر مطلع ساخته است:

مَعَاشَرَ النَّاسِ إِنَّهُ أَمَامٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ  
وَلَا يَتَّهَ وَ لَنْ يَغْفِرَ لَهُ، حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ  
أَمْرَهُ وَ أَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نُكْرًا أَبَدَ الْأَبَادِ وَ دَهْرَ الدُّهُورِ فَاحْذَرُوا  
أَنْ تُخَالَفُوهُ فَتَصِلُوا نَارًا وَقُودَهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ  
لِلْكَافِرِينَ.<sup>۲</sup>

ای مردم! او از طرف خداوند امام است و هر کس ولایت او را انکار کند، خداوند هرگز توبه‌اش را نمی‌پذیرد و او را نمی‌بخشد. حتمی است بر خداوند که با کسی که با او مخالفت نماید، چنین کند و او را به عذابی شدید برای همیشه و تا آخر روزگار، معذب نماید. پس پرهیزید از اینکه با او مخالفت کنید که گرفتار

۱- اسرار غدیر، ص ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۶۰.

۲- اشاره به آیه ۲۴ بقره.

آتشی می‌شوید که آتشگیره آن مردم و سنگ‌ها هستند و برای کافران آماده شده است.<sup>۱</sup>

این تهدید پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شامل همه کسانی می‌شود که در مورد سفارش ایشان حتی نسبت به یکی از ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام شک کنند:

مَنْ شَكَّ فِي وَاحِدٍ مِنَ الْأَئِمَّةِ فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ وَ الشَّكُّ فِينَا فِي النَّارِ.

هر کس در مورد یکی از ائمه شک کند، نسبت به همه آنها شک کرده و کسی که در مورد ما (اهل بیت) شک کند در آتش خواهد بود.<sup>۲</sup>

پیمان گرفتن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از مردم در روز غدیر

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پایان خطبه خویش از مردم دعوت فرمودند که برای بیعت با علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام ابتدا با شخص پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مصافحه کنند (در حقیقت بیعت با امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام را بیعت با خود شمردند) و سپس با خود آن حضرت مصافحه نمایند:

أَلَا وَ إِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَ الْإِقْرَارِ بِهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي.

و بدانید که من بعد از پایان خطابه‌ام شما را به دست دادن با خودم به عنوان بیعت با او و اقرار به او و سپس به دست دادن با خود او فرامی‌خوانم.<sup>۳</sup>

۱- اسرار غدیر، ص ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۴۷ و ۱۴۸.

۲- اسرار غدیر، ص ۱۱۵ و ۱۴۸.

۳- اسرار غدیر، ص ۱۲۸ و ۱۶۱.

همه امت امر شدند که از طریق بیعت با پیامبر ﷺ با علی (ع) و ائمه از نسل ایشان بیعت کنند و پیامبر اکرم ﷺ تصریح فرمودند که این بیعت، معاهده با خداست:

بدانید که من با خدا بیعت کرده‌ام و علی با من بیعت کرده است. من از جانب خداوند برای او از شما بیعت می‌گیرم (خداوند می‌فرماید)<sup>۱</sup>

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمِثْقَلُ حَبِّ الْعُرْسِ لَهُ أَجْرًا عَظِيمًا...<sup>۲</sup>

کسانی که با تو بیعت می‌کنند در واقع با خدا بیعت می‌کنند دست خداوند بالای دست آنان است پس هر کس این (بیعت را) بشکند این شکستن به ضرر خود اوست و هر کس به عهده‌ی که با خدا بسته وفادار باشد خداوند به او اجر بزرگی عنایت خواهد کرد.

هر چند که خداوند متعال و اهل بیت (ع) نیازی به این بیعت ندارند و ملزم بودن به این عهد و پیمان در جهت منافع خود مردم است اما خداوند به وفاکنندگان آن، وعده پاداش عظیم داده است. بالاترین سودی که از آن برای فرد حاصل می‌گردد، تحقق ایمان است؛ چرا که ایمان جز به آن محقق نمی‌گردد و هر کس از ایشان روی گرداند، از خداوند رو گردان شده است. پس باید ببینیم که این بیعت چگونه حاصل می‌گردد و مردم همه نسلها تا قیامت چگونه

۱- سوره فتح، آیه ۱۰.

۲- اسرار غدیر، ص ۱۶۱.

می‌توانند با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام زمان خویش بیعت کنند تا در زمره مبایعه کنندگان با خداوند درآیند.

نویسنده کتاب مکیال المکارم رَحِمَهُ اللهُ این بیعت و مبایعه را عهد مؤکد و پیمان شدید با خدا و رسول او شمرده و تحقق آن را موکول به دو امر دانسته‌اند:

اول: تصمیم قلبی محکم و ثابت بر اطاعت امر امام عَلَيْهِ السَّلَام و یاری کردن او با نثار جان و مال.

دوم: اظهار کردن آنچه قصد نموده و دل بر آن نهاده بوسیله زبان هنگام بیعت.

و سپس اضافه فرموده‌اند:

گاهی بیعت در مورد دست در دست هم زدن بکار می‌رود همچنانکه در بعضی از اوقات بین عربها مرسوم و متداول بوده که پس از اتمام بیع یا بیعت دست بهم می‌دادند.

... البته مخفی نماند که خود دست بهم زدن بیعت حقیقی نیست بلکه این کار نشانه وقوع و تمامیت بیعت است و ظاهراً بکار بردن بیعت و مبایعه بر صفقه<sup>۱</sup> و دست بهم زدن از باب نامیدن مسبب به اسم سبب می‌باشد و اصل و حقیقت بیعت، عهد و پیمان شدید و مؤکد است... هر چند که با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام عَلَيْهِ السَّلَام با دست بیعت نکرده باشد، همچنانکه بیشتر مؤمنانی که در زمان امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام بوده‌اند چنین وضعی داشته‌اند.

---

۱ - دست دادن. صفقه را در مورد بیعت کردن نیز بکار می‌برند چنانکه اهل لغت یاد کرده‌اند گویند صَفَقَةٌ رَابِعَةٌ يَأْخُذُ بِهَا خَاسِرَةٌ يَعْنِي بِيَعْتِي سُوْدَمَنْد يَأْزِيَانِبَار (مکیال، ج ۲، تکلیف ۳۴).

بنابراین هر چند که دست به هم زدن از نشانه‌های بیعت است، اما بیعت، موکول به این عمل نیست و البته به هر دست به هم زدنی هم بیعت نمی‌گویند بلکه التزام قلبی، اولین شرط تحقق آن می‌باشد. مرحوم صاحب مکیال در حکم بیعت فرموده‌اند:

بیعت به معنی اوّل بر همهٔ افراد از مرد و زن، برده و آزاد واجب است، بلکه ایمان جز به آن تحقق نمی‌یابد، چون ایمان همان التزام با دل و زبان به اطاعت فرمان پیغمبر و امام و تسلیم بودن به ایشان و یاری نمودن آنان با جان و مال می‌باشد.<sup>۱</sup>

بنابراین پذیرش قلبی بیعت با خدا و پیامبر ﷺ و ائمه هدی ﷺ در تحقق این مصافقه واجب است و البته اگر اولی الامر به اقرار زبانی یا دست دادن دستور دهند، بنابر امر ایشان، این اعمال، واجب می‌گردد؛ هر چند که شرط تحقق بیعت نیست.

حال ببینیم که پیامبر اکرم ﷺ در روز غدیر چگونه با مردم بیعت کردند. ایشان در خطبه خویش فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنِّي أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفِّ وَاحِدٍ فِي  
وَقْتٍ وَاحِدٍ وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ أَخُذَ مِنَ السِّتْرِ  
الْأَقْرَارَ بِمَا عَقَّدْتُ لِعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ لِمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ  
الْأَيْمَةِ مِنِّي وَ مِنْهُ عَلِيٌّ مَا أَعْلَمْتُمْ أَنَّ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ.

ای مردم! شما بیش از آن هستید که با یک دست، در یک زمان با من دست دهید و پروردگارم مرا مأمور کرده است که از زبان شما اقرار بگیرم دربارهٔ آنچه منعقد نمودم برای علی

امیرالمؤمنین و امامانی که بعد از او می‌آیند و از نسل من و اویند، چنانکه به شما فهماندم که فرزندان من از نسل اویند.<sup>۱</sup> بنابراین پیامبر ﷺ به مقتضای شرایط و کثرت جمعیت، در مرحله اول به اقرار قلبی و زبانی اکتفا فرمودند. سپس برای رسمی تر شدن بیعت دستور فرمودند که دو خیمه برپا داشتند و خودشان و امیرالمؤمنین علیه السلام در آن جلوس فرمودند و مردم دسته دسته ابتدا با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و سپس با امیرالمؤمنین علیه السلام دست داده، تبریک و تهنیت گفتند.<sup>۲</sup>

پس نحوه بیعت با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه هدی علیهم السلام منحصر در عمل ظاهری دست دادن نیست؛ بلکه در هر عصر و روزگاری، در ظهور یا غیبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علیه السلام می‌توان با قلب خود با ایشان بیعت نمود و چه بهتر که سرچشمه‌های این تعهد قلبی بر زبان نیز جاری شود؛ مانند ادعیه مأثوری که از ائمه علیهم السلام تحت عنوان تجدید بیعت در هر جمعه و هر روز و یا بعد از هر نماز در مکانها و زمانهای خاص وارد شده است.<sup>۳</sup> البته کمال سعادت مؤمن است که توفیق یابد به عنوان بیعت، دست در دستان مبارک مولایش بگذارد. اما افسوس که مؤمنان زمان غیبت، بطور عادی از این امر محروم هستند.

۱- اسرار غدیر، ص ۱۳۱ و ۱۶۴ و ۱۶۵.

۲- اسرار غدیر، ص ۳۹.

۳- مکیال المکارم، ج ۲، بخش ششم.

## لزوم پیمان بستن همه مخاطبان غدیر بر محتوای آن

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بعد از انشاء خطبه غدیر به امر خداوند اقدام به اخذ بیعت برای امیرالمؤمنین و ذریه ایشان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نمودند:

فَأَمَرْتُ أَنْ أَخْذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَ الصَّفْقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ  
عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عَلِيِّ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْاَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ  
الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ اِمَامَةٌ فِيهِمْ قَائِمَةٌ خَاتِمُهَا الْمَهْدِيُّ.

پس مأمورم که از شما بیعت بگیرم و با شما دست بدهم بر اینکه قبول کنید آنچه از طرف خداوند عزوجل درباره امیرالمؤمنین علی و جانشینان بعد از او آورده‌ام که آنان از نسل من و اویند (و آن موضوع) امامتی است که فقط در آنها بپا خواهد بود و آخر ایشان مهدی است.<sup>۱</sup>

مخاطبان این امر، تنها کسانی نیستند که در آن سال در غدیر خم، جمع شده بودند؛ بلکه تا قیامت همه کسانی که بخواهند در مسیر خداشناسی و دینداری حرکت کنند، باید این دعوت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را پذیرفته، با ایشان بیعت کنند. هر چند که دست دادن با ایشان در همه اعصار مقدور نیست اما همه موظف هستند که بر محتوای آن پایبند بوده، در هر زمانی که زندگی می‌کنند، با اطاعت از امام زمان خویش، دست بیعت به سوی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دراز کنند و در حقیقت با پذیرش ولایت امام زمان با خداوند متعال بیعت نمایند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ فَبَايَعُوا اللَّهَ وَ بَايَعُونِي وَ بَايَعُوا عَلِيًّا  
اميرالمؤمنين و الحسن و الحسين و الائمة [منهم في الدنيا و

الآخرة] کَلِمَةً بَاقِيَةً يُهْلِكُ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ وَ يَرْحَمُ مَنْ وَفَى.  
 ای مردم! با خدا بیعت کنید و با من بیعت نمایید و با علی  
 امیرالمؤمنین و حسن و حسین و امامان [از ایشان در دنیا و  
 آخرت] بعنوان امامتی که در نسل ایشان باقی است. خداوند  
 غدر کنندگان (بیعت شکنان) را هلاک می‌سازد و وفاداران را  
 مورد رحمت قرار می‌دهد.<sup>۱</sup>

هر چند که مردم دوران غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نمی‌توانند با  
 پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم و امام خویش مصافقه کنند اما با پایبندی بر محتوای  
 غدیر و موالات و تسلیم نسبت به امام عجل الله تعالی فرجه می‌توانند در زمره  
 بیعت‌کنندگان با پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم درآمده، رستگار شوند.

#### تجلی محتوای دقیق پیام غدیر در متن بیعت و پیمان

از آنجا که تعداد افراد حاضر در غدیر خم بسیار زیاد بود، پیامبر  
 اکرم صلى الله عليه وآله وسلم ابتدا بیعتی به صورت اقرار زبانی منعقد فرمودند. آنچه  
 پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم در متن این اقرار نامه، کلمه به کلمه القا فرمودند، خود  
 تجلی‌گاه دقیقی برای پیام غدیر بود. رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم در این  
 قسمت از برنامه غدیر، با ظرافت تمام به مردم فهماندند که این  
 بیعت چه وظیفه‌ای بر عهده آنها خواهد گذاشت و از این طریق  
 گستره مسؤلیت آنها را در قبال اولیای الهی تا روز قیامت معین  
 فرمودند:

پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم دستور فرمودند مردم به صورت دسته جمعی  
 بگویند:



إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُتَقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَنْ رَبِّنَا وَ رَبِّكَ فِي أَمْرِ إِمَامِنَا عَلِيٍّ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ وُلِدَتْ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَيْمَةِ.<sup>۱</sup>

ما شنوا و مطیع و راضی هستیم و سر تسلیم فرود می آوریم دربارہ آنچه از جانب پروردگار ما و خودت به ما رساندی؛ دربارہ امامت امامان علی امیرمؤمنان و امامانی که از صلب او به دنیا می آیند.

سپس دربارہ کیفیت بیعت آنها نیز اقرار زبانی گرفتند که:

نُبَايِعُكَ عَلَىٰ ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ أَيْدِينَا عَلَىٰ ذَلِكَ نَحْيِي وَ عَلَيْهِ نَمُوتُ وَ عَلَيْهِ نُبْعَثُ وَ لَا نَعْيَرُ وَ لَا نُبَدِّلُ وَ لَا نَنْشُكُ [وَ لَا نَجْحَدُ] وَ لَا نُرْتَابُ وَ لَا تَرْجِعُ عَنِ الْعَهْدِ وَ لَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ.<sup>۲</sup>

بر این مطلب با دل‌هایمان و جان‌هایمان و زبانه‌هایمان و دست‌هایمان با تو بیعت می‌کنیم. بر این عقیده زنده‌ایم و با آن می‌میریم و (روز قیامت) با آن محشور می‌شویم. در آن تغییر نمی‌دهیم و چیز دیگری جایگزین آن نمی‌کنیم و شک نمی‌کنیم [و انکار نمی‌نمائیم] و تردید به دل راه نمی‌دهیم و از این عهد بر نمی‌گردیم و پیمان را نمی‌شکنیم.

پیامبر ﷺ در این قسمت خطبه از مردم اقرار گرفتند که همه توانایی‌ها و دارایی‌های خویش را در خدمت امیرمؤمنان (علیه السلام) و ائمه (علیهم السلام) از نسل ایشان بکار گرفته، در این راه حتی از بذل جان

۱- اسرار غدیر، ص ۱۳۱.

۲- اسرار غدیر، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.

خویش هم دریغ نورزند (انفسنا) سپس از مردم تعهد گرفتند که تا زنده هستند و حتی بعد از مرگ، از عهد و پیمان خویش برنگردند و در این راه ثابت قدم باشند. در ادامه باز تأکید فرمودند که:

فَالْعَهْدُ وَالْمِيثَاقُ لَهُمْ مَأْخُودٌ مِنَّا، مِنْ قُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا  
وَ ضَمَائِرِنَا وَ أَيْدِينَا.<sup>۱</sup>

پس برای آنان عهد و میثاق از ما گرفته شده، از دل‌هایمان و جان‌هایمان و زبان‌هایمان و باطن‌های ما و دست‌هایمان.

این نوع بیعت زبانی نشان می‌دهد که گویی رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نسبت به این امت، احساس خطر کرده‌اند و با هر روشی می‌خواسته‌اند آنها را از سرپیچی و کجروی بازدارند و به مردم بفهمانند که وظیفه آنها این است که با جان و قلب و زبان و دست و در حقیقت با همه وجود، اطاعت از ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام کنند و این اطاعت هم برخاسته از همه جان‌شان باشد. به عبارت دیگر، این وظیفه از مردم خواسته شده که ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام را به معنای کامل کلمه، مولای خویش بدانند؛ همانطور که در طول خطبه، بارها و بارها بر «مولوئیت» ایشان تأکید فرموده‌اند.

## پیمان بندگی

### معانی و شؤون مولی و عبد

کلمه مولی در عربی جزء اضداد است؛ یعنی به دو معنای کاملاً ضدّ یکدیگر بکار می‌رود. یکی از معانی آن «مالک و صاحب اختیار» و دیگری به معنای «عبد» است.<sup>۱</sup> این لغت در روایات و ادعیه مأثور هم به صورت متضاد بکار رفته است. به عنوان نمونه در زیارت اول امام حسین علیه السلام زائر به امامش چنین عرض می‌کند:

أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَ مَوْلَاكَ<sup>۲</sup>.

در اینجا مولی مترادف عبد بکار رفته است. اما در اذن دخول

سرداب مطهر، خطاب به امام زمان علیه السلام می‌خوانیم:

مَوْلَايَ فَإِنْ أَدْرَكْتُ أَيَّامَكَ... فَهَا أَنَا ذَا عَبْدِكَ الْمُتَصَرِّفُ بَيْنَ

---

۱- المعجم الوسيط، ص ۱۰۵۸.

۲- کامل الزیارات، باب ۷۹، ص ۲۱۸.

أَمْرُكَ وَ نَهْيُكَ<sup>۱</sup>

مولای من، اگر ایام ظهور تو را درک کنم... پس من همان غلام تو هستم که مطابق با امر و نهی تو رفتار می‌کنم.

معنای اخیر مولی به صاحب اختیار و اولی به تصرف برمی‌گردد. «مولی» در مقابل «عبد» به کسی اطلاق می‌شود که خواستش بر خواست غلام، مقدم باشد. به تعبیر دیگر «مولویت» همان «آقایی کردن» است. مقام مولویت در مقابل عبدی مطرح است که ملتزم به دستورات مولا است. روشن است که این دو اصطلاح، لازم و ملزوم یکدیگر هستند. لازمه مولی بودن شخص این است که عبدی داشته باشد و گرنه به او مولی گفته نمی‌شود. لذا هر مولایی عبدی دارد و لازمه هر عبودیتی، مولویت است. مولی و عبد مانند پدر و پسر، دو مفهومی هستند که دارای دو طرفند و یکطرفه صدق نمی‌کنند. لذا تحقق دو معنای مولی و عبد را باید با هم بدانیم و توجه داشته باشیم که اگر پیامبر ﷺ در روز غدیر، پیمان بر مولویت اهل بیت علیهم السلام منعقد فرموده‌اند، در حقیقت از مردم عهد گرفته‌اند که عبد ایشان باشند.

پس جا دارد که درباره عبد و مصادیق و لوازم آن دقت بیشتری مبذول داشته شود. در زیارت هفتم امام حسین علیه السلام که به زیارت وارث معروف است، چنین آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ  
أُمَّتِكَ الْمُقَرَّبُ بِالرَّقِيِّ... قَصَدَ حَرَمَكَ وَ اسْتَجَارَ بِمَشْهَدِكَ.<sup>۲</sup>

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۸.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۹۹.

سلام بر تو ای پسر امیرمؤمنان! غلام تو و پسر غلامت و پسر کنیزت در حالیکه اقرار کننده به غلامی توست... قصد حرم تو را کرده و مجاور با محل شهادت تو شده است.

در این بخش، اظهار عبودیت با اقرار به «رَقِیت» تثبیت گشته است. «رَقِیت» که به معنای غلامی است، در مورد کسی اطلاق می شود که دارای مالکی باشد. مولی از آنجا که صاحب عبد است، نسبت به او مولویت دارد؛ یعنی صاحب اختیار اوست.

به تعبیر دیگر، مولویت از شؤون مالکیت است. اگر کسی مالک دیگری بود، بر او حق مولویت پیدا کرده، مملوک، غلام او می شود؛ درست مانند رابطه ای که در قدیم بین مولی و عبد برقرار بوده و مولی با پرداخت وجهی، مالک عبد می شده و غلام یا کنیز در حقیقت مملوک او بوده اند و همه شؤون غلامی یا کنیزی بدنبال این مالکیت مطرح می شده است. بدین ترتیب، مولی بر عبد خود، سلطنت و ولایت و حق امر و نهی و برتری و بزرگی و غلبه پیدا می کرده است.

مولویت پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام به جهت مالکیتی است که خداوند به ایشان اعطا کرده است. خداوند متعال، مالک حقیقی همه مخلوقات است و مالکیت او بالذات می باشد؛ یعنی دیگری او را مالک نکرده و خداوند در مالکیت خود بی نیاز است. به عبارت دیگر، مالکیت او بالغیر نیست؛ بلکه هر کس هر چه دارد، خدا او را مالک کرده است و مخلوقات تنها مالکیت بالله را دارا می شوند. در مالکیت بالغیر، بی نیازی وجود ندارد؛ یعنی غیر خدا به خودی خود، هیچ ندارد و تنها مالک چیزهایی است که خدا به او تملیک

کرده است. پس حق مالکیت حقیقی، تنها از آن خداست. و چون مولویت برخاسته از مالکیت است، پس مولویت بالذات هم فقط از آن خداست و همه شؤون مولویت، منحصر در اوست. همه مخلوقات بندگان او هستند و همانطور که کسی به ذات خود نمی تواند مالک باشد و استقلالی در مالکیت ندارد، به ذات خود مولی هم نمی شود؛ چون مولویت از شؤون مالکیت است. پس مولویت هم فقط بالله محقق می شود و مولویت بالذات برای غیر خدا منتفی است.

اما همانطور که غیر خدا بالله مالک می شود، خداوند متعال می تواند شخص را در مالکیت دیگری در آورده، و او را مولی قرار دهد و البته حوزه مالکیت مخلوقات بر یکدیگر را خداوند تعیین می کند. رابطه مولی و عبد که میان دو نفر در قدیم بوده، مالکیت تشریحی مولی و عبد را در یک محدوده معین، ثابت می کرده است. به همین صورت، خداوند متعال مالکیت و ولایت را در حد وسیعی به پیامبر ﷺ و سپس به امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه از نسل ایشان عطا کرده است و قلمروی ولایت آنان را شامل امور تکوینی و تشریحی قرار داده است. البته این ولایت در عین مطلق بودنش، بالله است و هیچ شباهتی با مالکیت و ولایت ذاتی خدا ندارد. ایشان به معنای حقیقی «ولی الله» هستند؛ یعنی خداوند متعال ایشان را ولی مطلق قرار داده است.

چنانکه پیشتر بیان شد، مولی و عبد لازم و ملزوم یکدیگرند و هر جا مولایی مطرح باشد، عبدی نیز هست. بنابراین خداوند متعال که اهل بیت علیهم السلام را مولای مؤمنان قرار داده، در حقیقت به ایشان امر

فرموده که عبد آنها باشند و البته «عبدالله» بودن با عبد امام بودن تفاوت ماهوی دارد. همانطور که بین مالکیت و مولویت خدا و اهل بیت علیهم السلام هیچ سنخیتی وجود ندارد، بین عبودیت آنها نیز تشبیهی نخواهد بود؛ لذا بکار بردن تعابیری مانند «عبدالحسین» یا «عبدالعلی» و «عبدالمهدی» اشکالی ندارد و هیچ شرکی لازم نمی آید ولی معنایش با «عبدالله» کاملاً متفاوت است.

معنای لغوی «عبد» و تفاوت آن با «عابد»، خود، تأییدی بر این مطلب است. لغت «عبد» در عربی به معنای مملوک و رقیق (غلام) آمده است و جمع آن به صورت عبید، عبْد، اَعْبُد، عُبْدان و عِبْدان بکار می رود ولی «عابد» یعنی پرستش کننده و موحد و جمع آن عَبَدَه، عُبْد و عُبَاد است.<sup>۱</sup> آنچه منحصر در خداست، پرستش و عبادت است که همان مملوکیت و اطاعت استقلالی می باشد و جز برای خداوند متعال فرض نمی شود. هیچ کس مجاز نیست که عبادت غیر خدا را بکند و لذا برای غیر خدا تعبیر «عابد» بکار نمی رود و ما نمی توانیم بگوئیم عابد ائمه علیهم السلام هستیم. اما کلمه عبد می تواند برای غیر خدا بکار رود و می توانیم بگوئیم که مؤمنان عبید ائمه علیهم السلام هستند.

بنابراین آنچه باید از ائمه علیهم السلام نفی شود، آن معنای بندگی است که مختص خداوند و بالذات می باشد و از غیر خدا منتفی می شود؛ اما آنچه درباره ایشان اثبات می گردد، معنای صحیح و مقبولی است که به اطاعت کامل و بدون قید و شرط مؤمنان از آنان برمی گردد. لذا

در روایات می بینیم که گاهی ائمه علیهم السلام عبد بودن انسان‌ها نسبت به خود را نفی کرده و در عین حال ثابت نموده‌اند که نسبت به همه مردم مولویتی بالله دارند.

امام رضا علیه السلام به اسحاق بن یعقوب که در بین جمع بنی هاشم خدمت ایشان بود، فرمودند:

يا اسحاق! بلغني أنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ: إِنَّا نَزَعُمُ أَنَّ النَّاسَ عَبِيدٌ لَنَا. لا و قرابتی من رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ما قلته قط و لا سمعته من آبائی قاله و لا بلغني عن أحدٍ من آبائی قاله و لكنني أقول: النَّاسُ عبيدٌ لنا في الطاعة، موالٍ لنا في الدين فليبلغ الشاهد الغائب.<sup>۱</sup>

ای اسحاق به من خبر رسیده که مردم (اهل سنت) می‌گویند ما عقیده داریم که مردم بنده ما هستند. نه، سوگند به خویشی و قرابتی که با پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم دارم. نه من هرگز این سخن را نگفتم و نه از پدرانم شنیده‌ام و نه به من خبر رسیده که یکی از آنها گفته باشد ولی من می‌گویم مردم از جهت (لزوم) اطاعت، غلام ما هستند. و در دین پیرو ما هستند پس هر کس حاضر است به غایبان برساند.

در این حدیث شریف، عبد بودن مردم نسبت به ائمه علیهم السلام به معنایی که برای خداوند متعال بکار می‌رود، نفی شده و به معنای لزوم اطاعت محض (که به غلامی تعبیر می‌کنیم) اثبات شده است. مؤمنان هم عبيد خدا هستند و هم عبيد ائمه علیهم السلام ولی لفظ عبد و

۱- اصول کافی، ج ۱، کتاب الحجّة، باب وجوب طاعة الائمة علیهم السلام، ح ۱۰.



عبید در این دو مورد بمعنای کاملاً متفاوت و غیر مشابه بکار می‌رود.

پس انسان از آن جهت که ذاتاً مربوب خداست، ذاتاً عبد اوست و اگر خداوند مخلوقی را مملوک دیگری قرار دهد، آن مخلوق را می‌توان بالله عبد او دانست و حوزه لزوم اطاعت از هر فردی بستگی به مولویتی دارد که خدا به مالک او عطا فرموده است. در مورد اهل بیت علیهم‌السلام نیز باید بگوییم که خداوند آنها را صاحب اختیار مطلق قرار داده است. بنابراین لازمه عبد بودن انسان نسبت به امام علیه‌السلام این است که ایشان را صاحب اختیار در همه امور خویش بدانند و لذا بطور کامل و مطلق و نه ناقص و مقید، از ایشان اطاعت کند و به مولویتشان اقرار داشته باشد.

#### مراتب مولویت و عبودیت

اقرار به مولویت امام علیه‌السلام و عمل به لوازم آن، دارای مراتب مختلفی است که دقیقاً به ایمان شخص برمی‌گردد. پائین‌ترین درجه قبول مولویت ایشان این است که اگر امام علیه‌السلام امر و نهی نسبت به انسان داشته باشد، حتماً اطاعت کند و برای ایشان حق امر و نهی قائل شود. از آنجا که ائمه علیهم‌السلام ولی الله هستند، این حق از جانب خداوند به ایشان اعطا شده است و اگر کسی اقرار به این حد اقل مولویت نداشته باشد، در حقیقت، قائل به ولایت ائمه علیهم‌السلام نیست و لذا از دایره ایمان خارج می‌گردد.

مرتبه بالاتر قبول مولویت وقتی محقق می‌شود که عبد با توجه به معرفت و ارادتش به امام علیه‌السلام خواست ایشان را در هر مسأله‌ای

جستجو کند؛ هر چند که در مورد آن، امر و نهی خاصی نداشته باشند. در این رتبه، عبد سعی می‌کند که قلب و اعضا و جوارح خویش را بیشتر به سمت رضای مولایش سوق دهد. پیداست کسی که خشنودی مولایش را بر خشنودی خود مقدم بدارد و در حقیقت، خشنودی او را خشنودی مولایش تشکیل دهد، در اقرار و عمل به عبودیت خویش نسبت به مولایش در رتبه بالاتری قرار دارد.

بالاترین درجه عبد بودن عبارتست از اینکه عبد، همه هستی و امکاناتی را که در اختیارش می‌باشد، واقعاً و حقیقتاً ملک مولای خود بداند و هیچ کدام از آنها را جز در مسیری که مورد رضا و خشنودی ایشان است، به کار نیندد؛ و اصولاً همه دارایی‌ها را فقط برای ولی نعمت خود بخواهد و در این خواست، دیگران و حتی خودش را سهیم نکند. البته این مقام بسیار بالایی است که هر مؤمنی به سادگی توفیق درک آن را پیدا نمی‌کند؛ ولی هر کس باید سعی کند خود را در اعتقاد و عمل، هر چه بیشتر به این درجه نزدیک کند. اگر در خواسته‌های قلبی خود حتی چند مورد را مطابق خشنودی امامش قرار دهد و میل و اراده خود را کنار گذارد و در آن موارد جز به آنچه مولایش می‌پسندد، فکر نکند و امکاناتش را جز در راه رضای ایشان بکار نیندد، قدمی به این مرتبه عالی نزدیک شده است. برداشتن این قدم، زمینه و مقدمه‌ای برای گام‌های بعدی می‌شود.

به هر حال، پیام غدیر، اقرار به مولویت امام علیه السلام و عمل به لوازم آن است. هر کس هر مقدار در این زمینه موفق باشد، به همان میزان به آن ایمان آورده است و مؤمنان در این مورد، دارای مراتب متعدّد و مختلفی هستند.

### وظیفه مسلمانان در قبال امام زمان علیه السلام طبق دستور خدای متعال

آنچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر بر همه مسلمانان تکلیف فرموده‌اند، این است که امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه از فرزندان ایشان تا حجة بن الحسن - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را مولای خویش بدانند و قید غلامی ایشان را بر گردن انداخته، به لوازم آن مقید گردند. سپس باید بدانیم که رابطه مولی و عبد، برای ما که مأموم حضرت مهدی علیه السلام هستیم، چگونه تحقق می‌یابد؟

مرحوم صاحب مکیال رحمه الله در بیان شصت و پنجمین وظیفه در قبال امام زمان علیه السلام چنین فرموده‌اند که:

بدنت باید نسبت به ایشان خاضع باشد.

سپس در بیان دلیل خشوع بدنی در مقابل امام علیه السلام به دعای امام صادق علیه السلام در روز جمعه استناد کرده‌اند که:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِقَلْبٍ خَاضِعٍ وَإِلَىٰ وَلِيِّكَ بِيَدَيْنِ خَاشِعٍ  
وَإِلَىٰ الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ بِفُؤَادٍ مُتَوَاضِعٍ<sup>۱</sup>.

خدایا من با قلب خاضع به تو تقرب می‌جویم و به ولی تو با بدن خاشع و به ائمه راشدین با قلب متواضع تقرب می‌جویم.

سپس توضیح فرموده‌اند که منظور از «ولی خدا» هم اکنون حجة بن الحسن ارواحنا له الفداء است و اضافه کرده‌اند که:

مراد از خشوع بدن، بنابر آنچه از تأمل در کتابهای لغت و موارد استعمال آن به دست می‌آید و برای اهل تتبع و تدبر در آیات و روایات مأنوس می‌باشد، این است که اعضای بدن خود را با

حال بیچارگی و خواری در جهت خدمت کردن به مولای خود و انجام کارهایش بکار بگیری در حالی که بزرگی و برتری ایشان را بر خود شناسی و خود را نسبت به ایشان کوچک و پست بینی و حقّ ایشان و لزوم فرمانبری از ایشان را بر خود معتقد باشی؛ همانطور که غلام نسبت به آقا و ارباب خود چنین است.

البته لازمه اینکه شخص اینگونه در بارگاه مولای خویش غلامی کند، اینست که وظیفه اش را بشناسد تا بتواند بدان ملتزم گردد. بدین منظور مناسب است که توجه کنیم در قدیم، بندها نسبت به مولایشان چه موقعیتی داشته اند تا گوشه ای از وظایف ما نسبت به امام زمان علیه السلام مشخص گردد.

روشن است که همه امور بنده باید برای مولی باشد. پس خواب و بیداری، نشست و برخاست، سفر و حضر و حتی خوشحالی و ناراحتی ما باید مطابق خواست مولایمان حجّة بن الحسن علیهما السلام باشد و این شیوه باید در همه زندگی جریان یابد.

بنده باید همه توانایی های خویش را در جهت رضای مولایش بکار بندد و برای خودش زندگی نکند؛ بلکه سمت و سوی زندگی اش را مولایش رقم زند.

مرحوم سید محمد تقی موسوی اصفهانی - صاحب مکمال - در ادامه فرموده اند:

فانّ العبد العارف بمعنی العبودیّة و المولیّة يعلم أنّ من لوازم عبدیّته استعمال جوارحه فی خدمه مولا و اطاعته.  
بنده ای که معنای عبودیت و مولویت را می شناسد، می داند که

از لوازم عبد بودنش این است که اعضا و جوارح خود را در خدمت و اطاعت مولایش بکار گیرد.

البته عبد با این که با همه توان در خدمت مولایش قرار می‌گیرد، در قبال عمل خویش هیچ حقی را مطالبه نمی‌کند و هیچ منتهی هم ندارد؛ چرا که همه اعمال خویش را وظیفه می‌داند و در صورت کوتاهی کردن در انجام وظیفه، خود را مستحق سرزنش می‌شمارد: و وقتی جوارحش را در خدمت مولایش قرار می‌دهد، هیچ فکر نمی‌کند که بر مولایش منتهی یا حقی دارد بلکه یقین دارد که اگر در خدمتگزاری و یا اطاعت امرش کوتاهی و سستی کند، مقصر است و اگر بر مولای خود گردنکشی کند یا از خدمت به او سرباز زند، نزد عقلا مطرود و مذموم می‌باشد.

بنابراین کسانی که حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را مولای خود می‌دانند، همواره باید اعمال خویش را مورد بررسی قرار دهند که مرتکب کوتاهی در ایفای وظیفه غلامی نگشته و چیزی از حقوق ایشان را پایمال نکرده باشند. این، کمترین حقی است که بر عهده هر غلامی قرار داده شده است و به طریق اولی برای کسی که خداوند متعال مولویت تامه او را مقرر داشته، صادق خواهد بود:

پس وقتی حال غلامی که یکی از مردم او را با چند درهم معدود خریده است، اینگونه باشد و این مولی این مقدار حق و مولویت نسبت به غلامش پیدا کند، پس چگونه است حال مولایی که خداوند متعال برایش مولویت تامه قرار داده است و این معنی را در کتاب عزیز خود چنین روشن بیان فرموده:

النَّبِيِّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ<sup>۱</sup> و این مقام را بعد از پیامبر ﷺ برای امامان علیا مقرر فرموده است.<sup>۲</sup>

وقتی با چند درهم پول دادن، این مقدار حق ایجاد گردد، حداقل وظیفه انسان در قبال امامان علیا روشن می‌شود و این موضوع مهم در حقیقت، اصل پیام غدیر است. این مطلب باید همواره مورد توجه باشد که مالکیت امام زمان علیا بر مردم از طریق معامله آنها صورت نگرفته است؛ بلکه پروردگار رب العالمین ایشان را مالک همه مخلوقات زمین و آسمان قرار داده است و اصلاً خود آسمان و زمین را هم به برکت ایشان برپا کرده و خلقت همه دنیا و آخرت برای ایشان است.<sup>۳</sup> بنابراین شایسته است که طبق امر پیامبر اکرم ﷺ در روز غدیر همواره متوجه اولویت ایشان بر همه و بر نفس خویش باشیم و پایبند به لوازم این مولویت بگردیم.

#### رابطه مولی و عبد

از مباحث گذشته نتیجه می‌شود که رابطه مؤمنان با امام زمان علیا باید رابطه عبد با مولایش باشد. بنابراین شیعیان باید با دقت در معنای «ولی» و «مولی» و لوازم آن، به وظایف خویش در قبال امامان علیا هرچه بیشتر آشنایی پیدا کنند.

لازمه اعتقاد به ولایت و مولویت امامان علیا این است که مؤمن برای ایشان در همه امور مربوط به خود، اولویت قائل باشد. مثلاً

۱- سورة احزاب، آیه ۶.

۲- مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۱۲.

۳- برای مطالعه بیشتر در این موضوع به کتاب «آفتاب در غربت» نوشته همین مؤلف صفحات ۱۱۵ تا ۱۳۰ مراجعه شود.

وقت و عمر خود را بیش از آن که متعلق به خود می‌داند، متعلق به امام علیه السلام بداند و برای ایشان در این که عمر خود را چگونه بگذراند، اولویت قائل باشد. در دارایی‌ها و اموال خود، حق امام علیه السلام را بر حق شخصی‌اش مقدم بدارد؛ به این معنا که بیش از خودش برای امامش قائل به حق تصرف در اموالش باشد. اگر آبرویی نزد مردم دارد، بهره‌برداری از این آبرو را در درجه اول، حق امام علیه السلام و از آن ایشان بداند. قوای بدنی و روحی خود را بیش از آن که از آن خود بشمارد، متعلق به امامش بداند و برای ایشان در اینکه چگونه از این قوا استفاده کند، نسبت به خود، اولویت قائل باشد. اگر فرزند یا فرزندی دارد، آنها را در حقیقت، فرزندان امام علیه السلام و امانت ایشان در دست خود بداند و بنابراین خود را موظف بداند که آنها را مطابق میل آن حضرت تربیت کند و خواست امام علیه السلام را در این امر بر خواست خود مقدم بدارد.

ولی بودن امام علیه السلام به معنای اولی به تصرف بودن ایشان در همه امور مربوط به مؤمنان است و لذا مأمومین ایشان باید نسبت به هرچه مالک هستند، امامشان را املک از خود بدانند؛ به این معنا که حق ایشان را در مورد آنها مقدم بر خود بشمارند. تا آنجا که هر یک از ایشان امکانات خود، اعم از دست و زبان و پول و حتی قلب خویش را بیش از آن که دارایی خود بشمارد، از آن امامش بداند و در مورد همه دارایی‌هایش - اعم از مادی و معنوی - امام را اولی از خودش بداند.

در کتاب شریف مکیال المکارم به مناسبت بحث درباره «ولایت» امام زمان علیه السلام که آن را «سلطنت» و «استیلا» معنا کرده‌است، می‌فرماید:

و مقتضی اذعانك بأنه اولی بك من نفسك فی جمیع  
 ما يتعلق بك أن تجعله اولی منك فی جمیع ما تحبّه لنفسك  
 و تجعل السعی فی حاجته مقدّمًا علی حاجتك.<sup>۱</sup>  
 لازمه اقرار کردن تو به این که امام علیه السلام از خودت نسبت به  
 خودت در همه امور مربوط به تو اولویت دارد این است که  
 ایشان را در همه آنچه برای خودت دوست می داری، بر خود  
 اولی و سزاوارتر قرار دهی و کوشش کردن برای خواسته ایشان  
 را بر خواسته خودت مقدم بداری.

سپس برای تأیید این معنا به عبارتی از زیارت جامعه کبیره  
 استناد کرده اند که می فرماید:

و مُقَدِّمُكُمْ اِمَامَ طَلِبَتِي وَ اِرَادَتِي فِي كُلِّ اَحْوَالِي وَ اُمُورِي.<sup>۲</sup>  
 خلاصه، لازمه قبول ولایت امام علیه السلام این است که در همه حالات  
 و امور شخصی، خواست و میل ایشان بر خواست و میل فرد، مقدم  
 باشد و مؤمن، امامش را بیش از خودش نسبت به همه امورش  
 صاحب حق بداند.

بدین ترتیب، بنده نمی تواند در تمام طول شبانه روز به دنبال کار  
 خود باشد بلکه باید ببیند مولایش به او چه امر می کند و سراغ اوامر  
 ایشان برود.

برای روشن شدن این مطلب می توان مثال شخصی را مطرح  
 کرد که کارمند اداره ای شده که در ازای دریافت حقوقی باید ساعاتی  
 را که متعهد گشته، در آنجا کار کند. در این میان، کارمند نمی تواند

۱- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۹۱ المقام الثالث.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۵۳.



هرکاری خودش می‌خواهد انجام دهد، بلکه توان و وقت او متعلق به صاحب کارش می‌باشد.

وظایفی که شرع مطهر بر انسان در مورد همسر و فرزندان و همسایگان و نیازمندان و... معین فرموده، همگی خواست مولای غایب حضرت بقیة الله ارواحنا فداه است که مؤمن هر قدر در اعتقاد به مولویت ایشان عمیق‌تر و محکم‌تر باشد، به این تکالیف شرعی مقیدتر خواهد بود. آنچه مهم است این است که مؤمن با چه اعتقادی به انجام وظایف شرعی خویش بپردازد. نیت شخص، تعیین‌کننده ارزش عمل اوست.

بنابراین اگر مؤمنان در زمان غیبت بخواهند پایبند به بیعتی باشند که با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بسته شده است، باید نسبت به امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام اینگونه باشند و ایشان را ولی الله در زمین بدانند. پس همه مردم اعم از زن و مرد، شاغل و غیر شاغل، باسواد و بی‌سواد، ثروتمند و فقیر... باید همه امورشان برای حجة بن الحسن عَلَيْهِ السَّلَام باشد؛ هیچ‌گونه استقلالی برای خود قائل نبوده، همه توانایی‌ها و اعضا و جوارح خود را در خدمت ایشان بکار بندند؛ هر عملی که می‌خواهند انجام دهند، باید بررسی کنند که آیا مولای ما چنین کاری از بنده‌اش خواسته است؟ و یا حداقل به انجام این عمل راضی است؟ مسلماً اگر کسی خود را عبد بداند، نمی‌تواند ادعا کند که هر طور که خودش می‌پسندد، می‌تواند زندگی کند.

عبد باید در تمام زندگی‌اش برای مولای خویش اولویت قائل شود و زندگی‌اش را در جهت رضای او سامان بخشد. لذا اگر می‌خواهد کاسبی کند و درآمدی بدست آورد، باید آنگونه عمل کند

که مولی می پسندد و گرنه درآمدش حلال نخواهد بود. اگر امکانات و فعالیت‌ها و توانمندی‌های فرد در راستای رضای مولایش صرف نشود، دیگر نمی‌توان به او «عبد» گفت.

کسی که به ولایت امام زمان علیه السلام اقرار دارد، در دینداری خود نیز باید رضای ایشان را جلب نماید و نمی‌تواند مطابق میل و سلیقه خود عمل کند. حتی اگر احتمال دهد که ولی نعمتش از امری کراهت دارد، هرگز به آن مبادرت نمی‌ورزد و از نزدیک شدن به موارد مشکوک نیز خودداری می‌کند. اینجاست که «ورع» در متن زندگی قرار می‌گیرد و بدینگونه فرد برای کسب خشنودی مولایش قبل از نزدیک شدن به مرز حرام قطعی، توقف می‌نماید. بنابراین نمی‌توان مدعی قبول ولایت امام زمان علیه السلام شد و نسبت به حلال و حرام بی‌توجه بود.

کسی که همراه با معرفت، تسلیم ولایت امام زمان علیه السلام شده، برایش دشوار نیست که از برخی امیال خود بگذرد و مطابق پسند ایشان زندگی کند. لذا هیچگاه در صدد پیدا کردن راه حل‌های مختلف برای رسیدن به خواست‌های خود نمی‌باشد و بی‌جهت به هر چه خود می‌پسندد، رنگ دین نمی‌زند؛ بلکه خالصانه رضای مولایش را جستجو می‌کند.

از دیگر لوازم قبول مولویت این است که عبد، خود را از هر جهت به دست مولی بسپارد و نگران مایحتاج خود نباشد. در قدیم، یک بنده از صبح بدنبال کار مولی می‌رفت و ظهر هم بر سر سفره او حاضر می‌شد و در حقیقت، مولایی که در طول روز، او را به دنبال کارهای مختلف می‌فرستاد، خود را موظف به اطعام او می‌دانست و

شب هم جایی جهت استراحت برایش آماده می‌کرد و... و لذا فکر و مشغولیت ذهنی غلام، هیچ یک از مسائل شخصی خودش نبود؛ بلکه فکر و ذکر او فقط امتثال امر مولایش بود و مولی را به معنای واقعی کلمه «ولی» خویش می‌دانست. به این ترتیب امور مربوط به خودش را به او می‌سپرد و خود به وظیفه غلامی اش می‌پرداخت.

بنابراین هر غلامی موظف به انجام غلامی خودش است و هر مولایی در حدّ شوون خویش آقایی خواهد کرد. غلام نباید نگران وضعیت شخصی خود باشد بخصوص اگر بداند که مولایش آنچه را برای او شایسته و به صلاحش باشد، فراهم می‌کند.

مسئلاً بهترین موالی، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اولاد گرامیشان تا حضرت مهدی قائم آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستند که طبق بیعت غدیر، مولویت ایشان بر هر زن و مردی واجب گشته و اگر مردم حقیقتاً به عهد خویش پایبند باشند و از خدمت‌گزاری به این موالی، سرباز نزنند، به بهترین وجه از آقایی و کرم ایشان بهره‌مند می‌گردند.



## امروز، غدیر

### عملکرد مسلمانان در قبال پیمان غدیر

متأسفانه آنچه از واقعه غدیر تا کنون، مورد فراموشی قرار گرفته، توجه به همین لوازم مولویت است. از همان لحظات اولیه در سال دهم هجری بسیاری از مردم، منافقانه با امیرالمؤمنین علیه السلام دست بیعت دادند و آنگونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور فرموده بودند، با دل و جان و دست و زبان، تسلیم علی بن ابیطالب علیه السلام نشده، به مولویتشان تن ندادند. هم اکنون نیز که ما در زمان مولویت آخرین وصی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفته‌ایم، باید منصفانه درباره وضعیت خویش به داوری بنشینیم که چقدر در انجام این وظیفه قلبی و جوارحی خود موفق بوده‌ایم؟ و یا حداقل چه اندازه به لوازم مولویت توجه داشته و معتقد بوده‌ایم؟ ما که همواره بر خوان پربرکت این مولی نشسته‌ایم و از نعمت‌های مادی و معنوی این مولای کریم، بهره‌مند شده‌ایم، آیا تا کنون خود را غلام او - هر چند عاصی و خطاکار - دانسته‌ایم؟

براستی این مطلب، قابل بررسی است که در میان شیعیان چند درصد مردم، دست کم به یاد ولیّ خود هستند؟ و چند نفر اینگونه مولویّت را برای او قائل می‌باشند؟!

حدّ اقل در روز غدیر که متعلّق به وجود مقدّس ولیّ عصر اروحنا فداه می‌باشد، چقدر از صاحب غدیر و حقوق ایشان یاد می‌شود؟ گاه بی‌توجهی و غفلت شیعیان نسبت به ایشان چنین می‌نماید که عهد پیامبر ﷺ در بین مسلمانان زمان غیبت هم بدست فراموشی سپرده شده است و در روز غدیر هم آنچنان که شایسته است، حقّ امام ﷺ ادا نمی‌شود. با وجود اینکه جشن‌ها و مراسمی به مناسبت این روز برقرار می‌شود و عید غدیر مورد اکرام و بزرگداشت قرار می‌گیرد، ولی پیام غدیر که همان فرمان مولویّت حجّة بن الحسن ﷺ در این زمان است، کاملاً مسکوت باقی می‌ماند و در حقیقت، ما که مدّعی تشیّع در زمان غیبت قائم آل محمد ﷺ هستیم، در پایبندی به مفاد این خطبه، مرتکب قصور گشته‌ایم و چه بسا وظیفه خود را هنوز نشناخته‌ایم. اگر چنین باشد، چگونه ممکن است که روز غدیر برای مؤمنان و ولیّ نعمت آنها عید باشد؛ چرا که این روز بیش از آنکه ولایت و سرپرستی امیرالمؤمنین ﷺ و ائمه از نسل ایشان را اعلام نماید، یادآور حقوق از دست رفته ایشان از ابتدای روز غدیر در حجّة الوداع تا امروز می‌باشد و این مسأله‌ای است که دل‌های همه دوستداران اهل بیت ﷺ را در اعیاد بزرگ مانند غدیر و قربان و فطر و جمعه محزون می‌کند و آنها را در مجالس

دعای ندبه<sup>۱</sup> جمع می‌سازد. این مطلب طبق فرمایش امام صادق علیه السلام باعث اندوه موالی ما نیز می‌گردد:

مَا مِنْ عِيدٍ لِلْمُسْلِمِينَ أَصْحَىٰ وَلَا فِطْرٍ إِلَّا وَهُوَ يُجَدِّدُ لِي لَآلِ مُحَمَّدٍ فِيهِ حُزْنًا<sup>۲</sup>

هبیچ روز عید فطر و قربانی نیست مگر اینکه برای اهل بیت پیامبر علیهم السلام غم و اندوهی را تازه می‌کند.

بدین ترتیب، محبّ امام زمان علیه السلام نیز به تبع مولایش در این اعیاد، محزون می‌گردد و در واقع با وجود اینکه این روزها عید هستند، غمی بزرگ بر شادی این اعیاد، سایه می‌اندازد. شیعیان واقعی اهل بیت علیهم السلام که حلقه بندگی آنها را به گردن انداخته‌اند، همواره در انتظار روزی بسر می‌برند که با رفع گرفتاری و شادی امامشان خشنود گردند. این همان روزی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه غدیر وعده آن را داده و فرموده‌اند که حضرت مهدی علیه السلام حقیقت دین الهی را آشکار می‌سازد و از ظالمان انتقام گرفته، به یاری دین خدا برمی‌خیزد و خون به ناحق ریخته اولیای الهی را طلب می‌کند:

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيِّمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ. أَلَا إِنَّ الظَّاهِرَ عَلَى الدِّينِ. أَلَا إِنَّهُ الْمُتَمَتِّعُ مِنَ الظَّالِمِينَ...  
أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ. أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِذِي اللَّهِ.<sup>۳</sup>

بدانید که آخرین امامان از ما مهدی قائم است. اوست غالب بر

۱ - ندبه به معنای ناله و فریاد.

۲ - فروع کافی، ج ۴، ص ۱۷۰، باب النوادر، ح ۲.

۳ - اسرار غدیر، ص ۱۲۶.

ادیان. اوست انتقام گیرنده از ظالمان.  
بدانید که اوست انتقام گیرنده هر خونی از اولیای خدا. اوست  
یاری دهنده دین خدا.

چنین روزی است که پیامبر ﷺ و اهل بیت ائمه انجنانکه باید،  
شناخته خواهند شد و حاکمیت و مولویت مطلق ایشان بر همه  
جهان حکمفرما می‌گردد. ان شاء الله

#### نتیجه سرپیچی از فرمان خداوند در غدیر

وظیفه همه کسانی که پیام غدیر به هر وسیله بدست آنها رسیده،  
این است که به مفاد خطبه پیامبر ﷺ اعتقاد قلبی پیدا کنند؛ چراکه  
هرگونه بی‌اعتقادی یا شک و تردید در آن، شخص را از مسیر  
عبودیت خارج ساخته، به ورطه کفر می‌اندازد.

پیامبر ﷺ در این خطبه خود را به صفت خاتم الانبیاء معرفی  
فرموده و شک در این حکم الهی را عین کفر و ضلالت دانسته‌اند:

انا [و الله] خاتم الانبیاء و المرسلین و الحجة علی جمیع  
المخلوقین من اهل السماوات و الارضین فمن شك فی  
ذلك فقد كفر کفر الجاهلیة الاولى.<sup>۱</sup>

من به خدا قسم خاتم پیامبران و رسولان و حجت بر همه  
مخلوقات از اهل آسمانها و زمین‌ها هستم. هرکس در این  
مطلب شک کند، مانند کفر جاهلیت اولی کافر شده است.  
سپس تأکید فرموده‌اند که همه فرمایش ایشان باید مورد قبول و  
تسلیم مؤمنان قرار گیرد و شک در هر یک از مفاد آن، به منزله شک



در همه دین محسوب می‌گردد:

وَمَنْ شَكَّ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِي كُلِّ مَا أَنْزَلَ  
إِلَيَّ.

و هرکس در چیزی از این گفتار شک کند، در همه آنچه بر من  
نازل شده، شک کرده است.

پذیرش قلبی امامت ائمه عليهم السلام تا روز قیامت، اولین قدم به سوی  
امثال امر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است و شک در مقام هریک از ایشان  
شخص را از ایمان خارج ساخته، راهی آتش می‌گرداند:

وَمَنْ شَكَّ فِي وَاحِدٍ مِنَ الْأَئِمَّةِ فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ وَ  
الشَّاكُّ فِينَا فِي النَّارِ.

و هرکس که در یکی از امامان شک کند، در همه آنها شک  
کرده است و شک کننده درباره ما در آتش است.

کسی که از قبول هریک از مفاد این فرمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم  
سرپیچی کند، مورد لعنت و غضب الهی واقع می‌گردد.

ای مردم! علی را فضیلت دهید که او بعد از من تا خداوند روزی  
را نازل می‌کند و خلق باقی است، بر همه مردم - از مرد و زن -  
افضل است.

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَ  
لَمْ يُوَافِقْهُ.

ملعون است ملعون است مورد غضب است مورد غضب است  
کسی که این گفتار مرا رد کند و با آن موافق نباشد.<sup>۱</sup>

موافقت و قبول قلبی مولویّت اهل بیت علیهم السلام کامل کننده دین است و کوتاهی در پذیرش این مهم، گناهی نابخشودنی است که عاقبت فرد را تباه کرده، همه اعمالش را زایل می گرداند. بنابراین اگر کسی در مرحله اعتقاد قلبی، تسلیم موالی خویش نشده باشد، هر قدر در انجام واجبات و مستحبات اهتمام داشته باشد، او را سودی نمی بخشد و همه اعمالش حبط گشته، مخلّد در آتش می گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه غدیر با صراحت بر این مطلب تأکید فرموده اند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ دِينَكُمْ بِامَامَتِهِ فَمَنْ لَمْ يَأْتُمْ بِهِ وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مَنْ صَلَّى إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ [فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ] وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ «لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ»<sup>۱</sup>

ای مردم خداوند دین شما را با امامت او کامل نمود. پس هرکس اقتدا نکند به او و به کسانی که جانشین او از فرزندان من و از نسل او تا روز قیامت و روز رفتن به پیشگاه خداوند عزوجل هستند، چنین کسانی اعمالشان در دنیا و آخرت از بین رفته، در آتش دائمی خواهند بود. عذاب از آنان تخفیف نمی یابد و به آنها مهلت داده نمی شود.<sup>۲</sup>

مخاطبان غدیر نه تنها موظف هستند که با قلب، پذیرای پیام خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم گردند، بلکه همانطور که ایشان از مردم بیعت

۱- سورة آل عمران، آیه ۸۸.

۲- اسرار غدیر، ص ۱۱۹ و ۱۵۲.

گرفته‌اند، باید همه با جان و دل و جوارح، تسلیم موالی خویش شده، به معنای واقعی کلمه به مولویت امام زمان خویش تن دهند و عبد ایشان گردند.

براستی اگر ما خود را عبید امام عصر عجل الله فرجه می‌دانیم، باید منصفانه بررسی کنیم که عمل ما چقدر مطابق پیمانی است که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بسته‌ایم؟ آیا با دل و جان و زبان، تسلیم ایشان شده‌ایم؟ چقدر از سالهای عمر خود را برای امام زمان عجل الله فرجه صرف کرده‌ایم؟ چقدر از امکانات خویش را در جهت کسب رضای ایشان صرف نموده‌ایم؟ زیانمان چقدر در جهت خشنودی ایشان چرخیده است؟ و در نهایت، قلب ما چه مقدار در خدمت مولایمان بوده است؟

همه اعمال جوارحی انسان از قلب برمی‌خیزد و اگر قلب، مملو از توجه و محبت به همه کس و همه چیز غیر از امام زمان عجل الله فرجه شد، کم‌کم گوهر ایمان از آن خارج می‌گردد و شخص را مستحق هرگونه عقاب الهی می‌سازد؛ چنانکه خداوند متعال هشدار داده است:

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تُرَضُّونَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ.<sup>۱</sup>

اگر پدرانتان و پسرانتان و برادرانتان و همسرانتان و قبیله شما و اموالی که کسب کرده‌اید و تجارتی که از کساد شدنش می‌ترسید و محل‌های سکوتی که مورد خشنودی شماست،

نزد شما از خدا و رسولش و جهاد در راه او محبوب‌تر است، پس منتظر باشید تا خدا امر خود (عقابش) را برساند. اگر خواست‌های دنیوی ما و توجه به پدر و مادر و فرزند و مال و تجارت و... بر محور مولویت امام زمان علیه السلام نباشد و آسایش و خواست خویش را بر خواست امام خود ترجیح دهیم، باید بدانیم که از پیمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سرپیچی کرده‌ایم و این عمل، عقاب سختی به دنبال خواهد داشت.

در حقیقت، نقض پیمان با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به زیان خود شخص می‌انجامد و همواره مصیبت این عهدشکنی، دامن‌گیر خود اُمّت بوده است.

فَمَنْ نَكَثَ فَاِنَّمَا يَنْكُثُ عَلٰى نَفْسِهٖ وَ مَنْ اَوْفٰى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ  
 اللهُ فَسَيُؤْتِهٖ اَجْرًا عَظِيْمًا.<sup>۱</sup>

هرکس بیعت را نقض نماید، در حقیقت به زیان و هلاکت خود اقدام کرده است و هرکه بر آنچه با خداوند عهد بسته، وفادار بماند، خداوند او را پاداش بزرگی خواهد داد.

بنابراین ما همواره باید متذکر و متنبّه باشیم که بر عهد و پیمان خود استوار بوده، بر ادای حقوق مولای خویش - صاحب الزمان علیه السلام - اهتمام ورزیم و بدین وسیله، خود را در معرض فضل خداوند متعال قرار دهیم. هم‌چنین باید متوجه باشیم که خداوند متعال و اهل بیت علیهم السلام نیازی به تبعیت ندارند؛ بلکه پابندی بر این پیمان، سعادت دنیوی و اخروی اُمّت را تأمین می‌سازد و عواقب

۱ - سوره فتح، آیه ۱۰.

سریچی از آن به انحای مختلف، دامنگیر پیمان شکنان می‌گردد.

### لَبَّيْكَ گفتن به دعوت پیامبر ﷺ در عید غدیر

از آنجا که در روز غدیر، پیامبر بزرگ اسلام ﷺ همه انسانها را تا روز قیامت از طرف خداوند مورد خطاب قرار دادند و آنها را به قبول عهد و پیمان الهی فرا خواندند، امام صادق علیه السلام به شیعیان دستور داده‌اند که در هر عید غدیر به عنوان لبیک گفتن به این دعوت کننده پروردگار (پیامبر ﷺ) پس از ادای دو رکعت نماز و صد بار بجا آوردن شکر خداوند در سجده، این دعا را بخوانند:

اللَّهُمَّ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاجَبْنَا دَاعِيكَ بِمَنَّا... و در ادامه دعا:  
فَاِنَّا يَا رَبَّنَا اَمْنَا بِمَنَّاكَ وَ لَطْفِكَ اَجَبْنَا دَاعِيكَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ  
وَ صَدَّقْنَاهُ وَ صَدَّقْنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ كَفَرْنَا بِالْجِبْتِ وَ  
الطَّاغُوتِ فَوَلَّنَا مَا تَوَلَّيْنَا وَ احْشُرْنَا مَعَ اَئِمَّتِنَا فَاِنَّا بِهِمْ مُؤْمِنُونَ  
مُوقِفُونَ وَ لَهُمْ مُسَلِّمُونَ اَمْنَا بِسِرِّهِمْ وَ عَلَانِيَتِهِمْ وَ شَاهِدِهِمْ وَ  
غَائِبِهِمْ وَ حَيِّهِمْ وَ مَيِّتِهِمْ وَ رَضِينَا بِهِمْ اَئِمَّةً وَ قَادَةً وَ سَادَةً.<sup>۱</sup>

خدایا! شنیدیم و اطاعت نمودیم و دعوت کننده‌ات را به فضلت اجابت کردیم... پس ای پروردگار ما! ما ایمان آوردیم و به لطف و فضل خودت دعوت کننده‌ات را اجابت کردیم و از رسول تبعیت نمودیم و او را و مولای مؤمنان را تصدیق کردیم و به جبت و طاغوت، کفر ورزیدیم. پس ما را تحت ولایتی که پذیرفته‌ایم در آور و با امامان خود محشورمان کن که ما به ایشان ایمان و یقین داریم و تسلیم آنان هستیم. ما به آشکار و

نهانشان و شاهد و غایبشان و زنده و مرده‌شان ایمان آوردیم و راضی شدیم که آنان امام و پیشوا و آقای ما باشند. به فرموده امام صادق علیه السلام کسی که این دعا را بطور کامل بخواند و سپس به سجده رود و صد مرتبه پروردگار را حمد کند و سپس بار دیگر به سجده رود و صد مرتبه خداوند را شکر بگزارد، مانند کسی خواهد بود که در روز غدیر حاضر بوده و با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر امر ولایت اهل بیت علیهم السلام بیعت کرده است... و همچون نجیبان و اشرافی خواهد بود که زیر پرچم حضرت قائم علیه السلام و در خیمه ایشان هستند.<sup>۱</sup> آنچه در این عمل مقدس و شریف به مؤمنان هر عصر و زمانی وعده داده شده، با توجه به مباحث پیشین، دور از انتظار به نظر نمی‌رسد. کسی که زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و روز غدیر سال دهم هجری را درک نکرده ولی مخاطب آن حضرت بوده است، اگر در سالروز غدیر به دعوت ایشان که دعوت کننده الهی هستند، لبیک بگوید و با دل و جان و دست و زبان به مولویت امامان علیهم السلام اقرار و اعتراف نماید، از جهت آنچه به خودش و اعمال اختیاری اش مربوط می‌شود، از کسانی که با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صادقانه در غدیر بیعت کردند و به این بیعت وفادار ماندند، چیزی کم ندارد. چنین کسی به فضل پروردگار، شایستگی این را دارد که همچون بزرگان و اشرافی باشد که امام عصر علیه السلام را در زمان ظهورش یاری می‌کنند.

#### دعا بر تعجیل فرج در روز غدیر

مؤمن در هر عید غدیری با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامانش تا

حضرت حجّة بن الحسن المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تجدید بیعت می‌کند و به امید درک سعادت یاری ایشان، برای تعجیل در فرج آن بزرگوار دست به دعا بلند می‌کند. آری یکی از وظایف عبد این است که همیشه به فکر مولایش باشد و اگر ایشان را گرفتار ببیند، برای رفع این گرفتاری تلاش کند. شیعیان در زمان غیبت در هر روز و هر لحظه وقتی می‌بینند که امر ظهور مولایشان اصلاح نشده، غمناک می‌گردند و راه چاره‌ای برای رفع گرفتاری از ولی نعمت خویش می‌جویند. بدین ترتیب، در همه اوقات، عاجزانه و با همه وجود از خداوند متعال درخواست می‌کنند که موانع ظهور حضرتش را برطرف نماید. پس مسأله دعا بر تعجیل فرج، یکی از کارهای اصلی بنده می‌باشد و او تلاش در این مسیر را وظیفه خویش می‌داند و سعی می‌کند هر کاری که می‌تواند، در جهت تحقق فرج مولایش انجام دهد. لذا دیگران را هم متوجه ولی نعمت خویش کرده، ترغیب بر دعای فرج می‌نماید و هم‌چنین در هر مناسبت و عید و عزایی و هر کجا که امید استجاب دعا می‌رود، گشایش در امر امام عصر علیه السلام را بر همه حوائج، مقدم می‌دارد.

یکی از ایام و فرصت‌هایی که شیعیان، آن را برای دعای بر فرج امام عصر علیه السلام مغتنم می‌شمرند، همین روز غدیر است و دعای خاصی نیز در این روز وارد شده که مرحوم صاحب مکمال بخشی از آن را نقل فرموده‌اند. اول دعا چنین است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ عَلِيِّ وَلِيِّكَ وَ الشَّانِ وَ  
الْقَدْرِ الَّذِي خَصَّصْتَهَا بِهِ دُونَ خَلْقِكَ...

خدایا به حق محمد پیامبرت و علی ولیت و شان و منزلتی که

از بین خلاقیت به او اختصاص داده‌ای، از تو می‌خواهم...

و در آخر دعا آمده است:

اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ اكْشِفْ عَنْهُمْ وَ بِهِمْ  
عَنِ الْمُؤْمِنِينَ الْكُرْبَاتِ. اللَّهُمَّ اَمَلًا الارضَ بِهِمْ عَدْلًا كَمَا  
مُلِئْتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ اَنْجِزْ مَا وَعَدْتَهُمْ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ.

خدایا! بر خاندان محمد - پیامبرت - فرج و گشایش ده و از آنها  
و از مؤمنان نیز به سبب آنها محنت‌ها و غم‌ها را برطرف ساز.  
خداوندا! زمین را به وجود آنها پر از عدل کن همچنانکه از ظلم  
و جور پر شده است و آنچه به ایشان وعده فرموده‌ای تحقق  
بخش. به درستی که تو خلف وعده نمی‌کنی.<sup>۱</sup>

#### دعا برای مؤمنان در روز غدیر

بهترین دعایی که خداوند ممکن است در حق شیعیان به  
استجابت برساند، این است که به آنها توفیق خدمتگزاری در درگاه  
مولایشان را عطا فرماید. این اعتقاد که مسلمان باید عبد امام زمانش  
باشد، عیدی بزرگی است که امید می‌رود، خداوند در این روز به  
شیعیان عطا فرماید. سپس باید در روز غدیر و همه اوقات، از  
خداوند بخواهیم که به ما معرفتی عطا فرماید تا حقوق مولایمان را  
بشناسیم و درک کنیم که باید بدون این که متنی بر خدا و رسولش  
داشته باشیم، با همه وجود در خدمت امام خویش درآییم و به آنچه  
ایشان دوست دارند، تقرّب جست، از آنچه مبغوض دارند، دوری  
کنیم. و بطور خلاصه از خداوند درخواست کنیم که ما را عبید امام  
زمانمان قرار دهد تا همه شؤون زندگیمان برای آن حضرت قرار

۱- مکیال، ج ۲، ص ۴۹، ح ۱۱۰۰ به نقل از اقبال الاعمال و زادالمعاد.



گیرد و بدین ترتیب جزء کسانی باشیم که در روز غدیر به راستی با پیامبر ﷺ بیعت کرده‌اند.

مرحوم صاحب مکیال رحمته الله فرموده‌اند:

مستحب است در این روز (عید غدیر) از خدای متعال بخواهی که تو را از یاران آن حضرت - که خداوند ظهور و فرجش را زودتر گرداند - قرار دهد، چنان که دعایی طولانی و شریف در کتاب اقبال، ذکر شده و جملات پایانی آن این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَ بِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ جَمِيعًا أَنْ تُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَنَا فِيهِ بِالْوَفَاءِ لِعَهْدِكَ الَّذِي عَاهَدْتَ إِلَيْنَا وَ الْمِيثَاقِ الَّذِي وَاقَفْتَنَا بِهِ مِنْ مُوَالَاتِ أَوْلِيَائِكَ وَ الْبِرَائَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ تَمَنَّا عَلَيْنَا بِنِعْمَتِكَ عِنْدَنَا وَ تَجَعَلَهُ عِنْدَنَا مُسْتَقَرًّا ثَابِتًا وَ لَا تَسْلُبْنَاهُ أَبَدًا وَ لَا تَجْعَلَهُ عِنْدَنَا مُسْتَوْدَعًا فَإِنَّكَ قُلْتَ: «فَمُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدَعٌ» فَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرًّا ثَابِتًا وَ ارْزُقْنَا نَصْرَ دِينِكَ مَعَ وَلِيِّ هَادٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ قَائِمًا رَشِيدًا هَادِيًا مَهْدِيًّا مِنَ الضَّلَالَةِ إِلَى الْهُدَى وَ اجْعَلْنَا تَحْتَ رَايَتِهِ وَ فِي زُمْرَةِ شُهَدَاءِ صَادِقِينَ مَقْتُولِينَ فِي سَبِيلِكَ وَ عَلَى نُصْرَةِ دِينِكَ.<sup>۱</sup>

خداوندا از تو می‌خواهم به حقی که نزد آنان (خاندان پیامبر) قرار داده‌ای و به آنچه بر تمام جهانیان برتریشان بخشیده‌ای که این روز را بر ما مبارک سازی، این روز که ما را در آن، به جهت وفای به عهدی که از ما خواسته‌ای و پیمانی که از ما گرفته‌ای - پیمان دوستی و پیروی اولیایت و بیزاری از

دشمنانت - گرامیمان داشته‌ای. و [از تو می‌خواهم] که با نعمت بر ما منت نهی و آن را نزد ما قرار یافته و پایدار نمایی و هیچ‌گاه این نعمت (ولایت) را از ما نگیری و آن را نزد ما بطور امانت قرار ندهی که تو فرموده‌ای: «پس قرار یافته است و امانت سپرده شده» پس آن را برقرار و پایدار کن و یاری دینت را به ما روزی فرمای در خدمت ولیّ هدایت‌کننده‌ای از خاندان پیغمبرت، آن هنگام که به ارشاد بیا خیزد و هدایتگر هدایت شده از گمراهی به سوی راه راست بوده باشد. و ما را زیر پرچم او در شمار شهیدان راستینی که در راه تو و به خاطر یاری دینت کشته شده باشند قرار بده.<sup>۱</sup>

بالاترین افتخارانسان این است که بتواند جانش را تقدیم مولای خویش کند و در حقیقت، توفیق یابد بالاترین نعمتی را که مولی به او بخشیده است، در راه او بذل کند و بدین ترتیب، حقّ عهد با خدا و پیامبر ﷺ را به جای آورد؛ همانطور که یاران امام حسین علیه السلام جانهای خود را فدای مولایشان کردند و ما هنگام سلام دادن به مولایشان بر آنها نیز چنین درود می‌فرستیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اِبَاعَبْدَاللّٰهِ وَ عَلٰى الْاَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ  
بِفِنَائِكَ.<sup>۲</sup>

بنده اگر توفیق شهادت در رکاب مولایش را نیافت، باید همواره این آرزو را در سر داشته باشد و این سعادت را از خداوند مسألت دارد؛ چنان که مؤمنان هنگام زیارت سیدالشهداء علیه السلام این جمله را با

۱- مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۹.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۷۷.

افسوس بر زبان جاری می‌سازند که:

يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا<sup>۱</sup>

ای کاش من با شما بودم پس به رستگاری بزرگی می‌رسیدم. اگر کسی در زمان غیبت در همه طول حیاتش متوجه ولایت امام عصر<sup>علیه السلام</sup> بوده، خود را از همه جهت بنده ایشان بداند و در عمل نیز غلامی خود را به اثبات برساند، دعای روز غدیر در حق او مستجاب شده است و تحت رایت امام خویش با سلامت در دین بسر خواهد برد و حتماً آخرین لحظات زندگی‌اش شیرین‌ترین لحظات عمرش خواهد بود. آنگاه با سربلندی، خدمت مولایش خواهد رسید و لبخند رضای ایشان را به چشم خواهد دید. خدا را قسم می‌دهیم به غدیری که نزد او بسیار عظمت دارد و به صاحب غدیری که هنوز در پس پرده غیبت بسر می‌برد که به همه ما توفیق عطا فرماید تا بتوانیم عهد و پیمانی را که پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> از ما اخذ فرموده، به بهترین وجه ادا کنیم و همواره مطابق رضای مولایمان زندگی نماییم و بالاخره جان‌های خود را در راه او فدا کنیم.

اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد  
و مماتی ممات محمد و آل محمد.  
یا رب المؤمنین بحق المؤمنین اشف صدور المؤمنین بظهور الحجّة.  
أمین یا رب العالمین.

پرسش‌ها:

- ۱- وظیفه نسل حاضر در قبال غدیر چیست؟
- ۲- محتوای اصلی پیام غدیر را بیان کنید.
- ۳- «بیعت» به چه معناست و چگونه محقق می‌شود؟
- ۴- آیا اقرار زبانی و دست دادن، شرط تحقق بیعت می‌باشد؟
- ۵- چگونه از مولویت پیامبر ﷺ و اهل بیت ، لزوم بندگی ما نسبت به ایشان نتیجه می‌شود؟
- ۶- مالکیت و ولایت اهل بیت  چه تفاوتی با مالکیت و ولایت خدای متعال دارد؟
- ۷- تفاوت معنای لغات «عبد» و «عابد» چیست و کدامیک می‌تواند در مورد غیر خدا بکار رود؟
- ۸- سه مرتبه عبودیت در برابر اهل بیت  را توضیح دهید.
- ۹- مراد از خشوع بدنی در برابر امامان  چیست؟
- ۱۰- لوازم «اولی به تصرف» دانستن امامان  چیست؟

امروز، غدیر \* ۶۱

۱۱ - حزن و اندوهی که در این زمان با شادی عید غدیر آمیخته می‌شود از چه جهتی است؟

۱۲ - چرا عدم پذیرش مولویت اهل بیت علیهم‌السلام سبب حبط اعمال و خلود در آتش می‌گردد؟

۱۳ - دعا بر تعجیل فرج امام عصر علیه‌السلام در روز غدیر از چه روایمت پیدا می‌کند؟

۱۴ - در جملات پایانی دعایی که در روز غدیر وارد شده **(اللهم انی اسئلك بالحق الذی...)** چه درخواست‌هایی از درگاه الهی داریم؟  
(چهار مورد را ذکر کنید)

وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِبَطَاعَتِهِ - عَلَى اجْتِمَاعِ  
مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ  
الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى  
حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا.

و اگر شیعیان ما که خدا بر طاعتش توفیقشان داد - در وفای به عهد و پیمان  
که بر عهده آنان است، همدل می شدند، برکت دیدار ما از آنها واپس  
نمی افتاد و سعادت مشاهده ما همراه با معرفت حقیقی و راستین برایشان  
پیش می افتاد.

بخشی از توفیق امام عصر علیه السلام به شیخ مفید رحمه الله علیه

احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۵

## فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- الاحتجاج، طبرسی
- ۳- اسرار غدیر، محمد باقر انصاری
- ۴- الاقبال، سیدبن طاووس
- ۵- بحار الانوار، علامه مجلسی
- ۶- تهذیب الاحکام، شیخ طوسی
- ۷- جمال الاسبوع، سیدبن طاووس
- ۸- الکافی، مرحوم کلینی
- ۹- کامل الزیارات، ابن قولویه
- ۱۰- کمال الدین، شیخ صدوق
- ۱۱- المعجم الوسیط
- ۱۲- مکیال المکارم، سید محمد تقی موسوی اصفهانی





### سؤالات از متن کتاب «پیمان غدیر»

۱- این جمله از امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام درباره چه روزی است؟  
«آن بزرگترین عید خداوند است و خدای عز و جل هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر آن که این روز را عید گرفته است؟»

(الف) عید فطر

(ب) عید قربان

(ج) عید غدیر خم

(د) جمعه

۲- عبارت «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ» در یکی از زیاراتی که از ناحیه مقدسه امام عصر علیه السلام وارد شده آمده است. در این سلام چه کسی مخاطب کلام است که میثاقی مؤکد و مأخوذ خداوند است؟

(الف) امیرالمؤمنین علیه السلام

(ب) امام زمان حجة بن الحسن علیه السلام

(ج) امام حسین علیه السلام

(د) عثمان بن سعید، نائب اول امام زمان علیه السلام

۳- کدام یک از جملات زیر در مورد آیه ششم سورة احزاب: «الَّتِي أُولَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» صحیح نیست؟

(الف) این آیه تنها در صدد بیان این نکته است که پیامبر از همه مؤمنین برتر و بالاتر است.

(ب) در این آیه، با نصب الهی، مشخص می شود پیامبر صلی الله علیه و آله به طور مطلق نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است.

(ج) مؤمنان باید خواست پیامبر صلی الله علیه و آله را در همه امور خویش بر خواست خود ترجیح دهند.

(د) پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به همه دارایی های مؤمنان از خودشان سزاوارترند و ایشان می توانند هرگونه دخالتی در همه ابعاد زندگی مؤمنین داشته باشند.

۴- کدام یک از جملات زیر در معرفی حضرت حجة بن الحسن العسكري عليه السلام به عنوان حجت خدا و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله در خطابه غدیر توسط پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده نیست؟

(الف) أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيُّمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمُهْدِيُّ

(ب) وَ هُوَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَا

(ج) إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حَكَمِهِ فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينِهِ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ

(د) أَلَا إِنَّهُ الْأَبَابِيُّ حُجَّةٌ وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ

۵- کدام ترجمه از عبارت «مَنْ شَكَّ فِي وَاحِدٍ مِنَ الْأَيُّمَةِ فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ وَ الشَّاكُّ فِيْنَا فِي النَّارِ» صحیح است؟

(الف) هرکس در مورد یکی از ائمه شک کند نسبت به همه آنها شک کرده و کسی که در مورد ما (اهل بیت علیهم السلام) شک کند در آتش خواهد بود.

(ب) کسی که در مورد اولین امام شک کند در همه ائمه شک می‌کند و هرکس شک کند در آتش جهنم خواهد بود.

(ج) هرکس در مورد یکی از ائمه شک کند در همه آنان شک خواهد کرد و هرکس از ما (اهل بیت علیهم السلام) شکایت کند در آتش خواهد بود.

(د) هرکس در مورد یکی از ائمه شک کند در مورد همه آنان مشکوک می‌شود و هرکس شاکی باشد در آتش جهنم است.

۶- بیعت به معنی عهد و ثقیق و پیمان مؤکد با خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام در کدام مورد تحقق می‌یابد؟

(الف) تصمیم قلبی بر اطاعت فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام و باری نمودن او با تمام امکاناتش.

(ب) اظهار زبانی به آنچه در زمان بیعت قصد نموده است.

(ج) دست دادن با امام، که نشانه وقوع و تمامیت بیعت است (در صورت حضور در محضر امام)

(د) همه موارد

## پیمان غدیر \* ۶۷

۷- از آنجا که تعداد افراد حاضر در غدیر خم بسیار زیاد بود، پیامبر اکرم ﷺ ابتدا بیعتی به صورت اقرار زبانی منعقد کردند و کلمه کلمه القاء فرمودند و مردم تکرار نمودند. کدام یک از جملات زیر جزو این اقرار دسته جمعی می باشد؟

الف) إنا سامعون مطيعون راضون مُنقادون لما بَلَّغْتَ عَنْ رَبِّنا وَ رَبِّكَ فِي أَمْرِ إمامنا علي أمير المؤمنين وَ مِنْ وُلْدِي مِنْ صَلْبِهِ مِنَ الْأَيْمَةِ  
ب) نُبَايِعُكَ عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ أَيْدِينَا عَلَى ذَلِكَ نَحْبِي وَ عَلَيْهِ نَمُوتُ وَ عَلَيْهِ نَبْعَثُ

ج) فَأَلْعَهْدُ وَ الْمِيثَاقَ لَهُمْ مَا خُذَ مِنَّا مِنْ قُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ صَمَائِرِنَا وَ أَيْدِينَا.  
د) هر سه مورد جزو این اقرار بوده است.

۸- کدام یک از موارد ذیل لازمه «عبد بودن» نسبت به امام ع نمی باشد؟

الف) به طور کامل و مطلق از امام اطاعت شود.  
ب) امام را در امور خود صاحب اختیار بداند.  
ج) به ولایت امام اعتقاد داشته باشد.  
د) امام را عبادت کند.

۹- همان طور که بیان شد پیام اصلی غدیر «مولویت» امیرالمؤمنین و ائمه ع بر همه مؤمنین است. پیامبر ﷺ در خطبه غدیر نتیجه سربیزی از فرمان خداوند و شک نسبت به فرمایشات پیامبر ﷺ را چه چیزی معرفی می فرماید؟

الف) کفر و ضلالت جاهلیت  
ب) سوختن در آتش عذاب الهی  
ج) مورد لعن و غضب الهی قرار گرفتن  
د) همه موارد

۱۰- در دعای شریفی که برای روز غدیر نقل شده است و با عبارت «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَهْدَهُمْ» آغاز می شود از خداوند درخواست هایی می کنیم. کدام یک از جملات زیر جزو این درخواست ها نیست؟

الف) از خدا می‌خواهیم که این روز را که در آن ما پیمان دوستی و پیروی از اولیائش و بیزاری از دشمنانش گرفته است، بر ما مبارک گرداند.

ب) یاری دینت را به ما روزی فرما، در خدمت ولی هدایت‌کننده‌ای از خاندان پیغمبرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 ج) ما را زیر پرچم او در شمار شهیدان راستینی که در راه تو و به خاطر یاری دینت کشته شده باشند قرار ده.

د) از تو می‌خواهیم که با نعمت بر ما منت گذاری و آن را نزد ما به طور امانت قرار دهی که تو فرموده‌ای: «پس قرار یافته است و امانت سپرده شده»

۱۱ - مخاطبین پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در خطبه روز غدیر در مورد پذیرش ولایت و بیعت با امیرالمؤمنین و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام چه کسانی بودند؟

الف) همه مسلمانان تا روز قیامت

ب) همه حاضرین در صحرای غدیر در آخرین حج پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ج) همه مسلمانان صدر اسلام

د) همه مسلمانان و تمام کسانی که بخواهند در مسیر خداشناسی و دین‌داری حرکت کنند تا روز قیامت.

۱۲ - با قبول ولایت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام چگونه فرد به «تقوی» و «ورع» می‌رسد؟

الف) مؤمن سعی می‌کند در دین‌داری خود رضای امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را کسب کند.

ب) مؤمن اگر احتمال دهد امام از امری کراهت دارد هرگز به آن نزدیک نمی‌شود.

ج) مؤمن برای کسب رضایت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام قبل از نزدیک شدن به امور حرام متوقف می‌شود.

د) همه موارد.